

ارگان کمیته خارج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سال اول مهرماه ۱۳۶۶

## هفته مخالفت با جنگ ایران و عراق

در صفحه ۴

## تحولات جنگ و نقش امپریالیسم در خلیج

یک دورکا مل از فعالیتهای دیپلماتیک و نظامی برای تغییر وضعیت جنگ ایران و عراق، از زوایای مختلف و به دلایل گوناگون، صورت گرفته است. تحت تاثیر این تحولات، اوضاع منطقه و جنگ چهره تازه ای بخود گرفته است. به خلاصه ترین کلام همه مسائل و سوالات در مورد وضعیت کنونی جنگ ناشی از دو مشخصه تازه این جنگ ارتجاعی هفت ساله است. ۱- این دو مشخصه عبارتند از: ۱- تبدیل شدن بحران خلیج به گامی از دوام ملی جنگ. ۲- فعال شدن تحركات دیپلماتیک در سطح بین المللی برای پایان دادن به جنگ. اما مسئله سیاست جنگ، جنگ تا پیروزی "از جانب رژیم فقها و امتناع آن از پذیرش آتش بس در همان حال ناتوانی آن در پیشبرد این سیاست، عراق را وادار میکند به عقبه در صفحه ۲

## روش فعالیت در کانونهای دموکراتیک را اصلاح کنیم

یکی از مشکلات اصلی کانونهای بنا هندی و بطور کلی کانونهای دموکراتیک برای جلب و فعال کردن توده های مهاجرو بیض نفوذ خود در میان آنها نداشتن یک سیاست عملی روشن و روش های واضح و هدفمند است. این یک واقعیت بدیهی است که کانونهای موجود هنوز شکل واقعی پناهندگان نبوده و بیشتر به هسته های اولیه چنین تشکلهایی شبیه هستند. با ثابتهای بدیهی را زانها را کمیسیون های پناهنده میم که سازماندهی یک تشکیلات منفی توده ای پناهندگان را در دستور کارشان قرار داده اند. این در حال است که زمینه های کار در بقیه در صفحه ۳

## آلمان فدرال:

### جنبش طبقه کارگر علیه بیکاری

تظاهرات اعتراضی اتحادیه فلزکاران آلمان فدرال در شهر اسن (در تاریخ ۱۵ سپتامبر) که با شرکت دهها هزار نفر برگزار شد، بار دیگر مسئله بحران صنایع ذغال سنگ، فولاد و کشتی سازی این کشور را در مرکز توجه قرار داد. بحران ساختی مزمنی که نزدیک به دو دهه تقریباً کلیه کشورهای بزرگ سرمایه داری را فرا گرفته است، در کشور آلمان فدرال به این دلیل ابداً دوسویی دارده که این کشور در اکتفا به خود را تا حد زیادی مرهون صنایع سنگین و بویژه صنایع ذغال سنگ، فولاد و کشتی سازی می باشد و این صنایع در بقیه در صفحه ۱۲

## نمیتوان "چپ" بود ضد توده های نبود!

در صفحه ۵

### زندگی و مبارزات پناهندگان

- سوئد - استکهلم:
- اعتصاب غذا برای حمایت از پناهندگان و آوارگان ایرانی در صفحه ۹
- تایلند - بانکوک:
- اعتصاب غذای خشک در مقابل نمایندگی سازمان ملل در صفحه ۹
- آلمان فدرال - برلین غربی
- برگزاری روز پناهنده در صفحه ۹
- برگزاری سمینار سراسری کانون های پناهندگی در صفحه ۸

## اعتراض عفوبین الملل به عدم پاسخگوئی فقها

در صفحه ۱۶

## خود سوزی يك ایرانی



### آمریکا - لس آنجلس

نیوفاخرهی هوادار سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران در جریان تظاهرات ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۷ علیه سفر خاتمه ای جنایتکار رئیس جمهور رژیم فقها به سازمان ملل خود را آتش زد.

در صفحه ۶

# تحولات جنگ و نقش امپریالیسم در خلیج

داشت تا با تکیه بر برتری هوایی به بمباران نفتکشها و تاسیسات نفتی بپردازد و جنگ را بیش از پیش به خلیج بکشد تا بدینا بر حلقوم جمهوری اسلامی فشار آورد.

حولات انتقالی رژیم فقها به کوییت و سایریرین برای اعمال فشار بر عراق و دعوت کوییتیهها از کشورهای بزرگ برای حمایت از آن و حضور نظامی گسترده امپریالیسم و در آن آمریکا در خلیج، صحنه جنگ را تغییر داد. این جبهه جدید برای رژیم اسلامی که در جنگ مستقیم در جبهه های زمینی به بن بست رسیده بود، یک درماندگی مضاف را ایجاد کرد. چرا که نه توان مقابله جدی در این صحنه را داره و نه سدود شدن این شریان حیاتی به نفع آن است.

از سوی دیگر بدنبال یک تفاهم اولیه بین کشورهای اصلی شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد فعالیت برای پایان دادن به جنگ، که مشجر به صدور قطعنامه ۵۹۸ این شورا گردید، فشار بین المللی زیادی بر رژیم جمهوری اسلامی وارد ساخت.

اجلاس کشورهای اتحادیه عرب نیز اگر چه به تصمیم عملی دست نیافت اما ژست التیما تو مگونه ای در مورد رژیم فقها اتخاذ کرد. مجموعه این عوامل عرصه فعالیت دیپلما تیک را بصورت تنها مخرم در مقابل رژیم اسلامی نهاد. هدف کلی رژیم از این فعالیت شکستن توافق اعفاء شورای امنیت بود، زیرا علی رغم این توافقی برای خاتمه جنگ، در مورد نحوه اعمال این سیاست و اهداف این سیاست بین کشورهای اصلی شورای امنیت، خصوصا اتحاد شوروی و آمریکا، شکاف پدیدار شد. اختلاف نظر در میان امپریالیستها نیز با جانبداری آلمان فدرال از سیاست "محظنا نه" و عدم فشار بر فقها و امتناع آنها از دخالت نظامی در خلیج نمایان گردید. در میان سایر دول اروپائی و آمریکا در این مورد کشمکش وجود داشته و هنوز هم دارد، اما اغلب این کشورها به سیاست مدخله نظامی آمریکا در خلیج گسردن نهاده و هر یک به سهم خود در آن شرکت نمودند. امپریالیسم آمریکا که موقعیت را برای دخالت همه جانبه خود در منطقه مساعد دیده بود با تمام قوا بر سیاست اعمال فشار نظامی پای فشرد. آمریکا از سوئی می خواهد با تثبیت حضور خود نقش "ژاندارم" را در غرب یک دولت مقتدر دست نشانده در منطقه مستقیما بر عهده بگیرد و با حفظ منافع خود و حمایت از دول عربی وابسته افتتاح ایران گیت را جبران کند از سوی دیگر با قدرت نمائی نظامی و گوشمالی دادن به فقها، در وضعیتی که از "شوروی ستیزی" آنها علی رغم گرمی روابط مقطعی شان بسا شوروی مطمئن است، برای قبولاندن شرایط خود هر چه بیشتر فشار آورد، اتحاد شوروی به فاصله

کوتاهی بعد از پذیرش حمایت مستقیم از کشتیهای کوییتی، متوجه عواقب حضور نظامی امپریالیسم شد. بنا بر این خواهان مداخله بین المللی در خلیج از سوی سازمان ملل و بکارگیری اهرمهای دیپلما تیک برای فشار رجعت خاتمه دادن به جنگ شد. بهر صورت این مجموعه فعل و انفعالات و اختلافات باعث شد که روند فشار شورای امنیت بر رژیم فقها که بعد از عدم پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از جانب ایران میبایست منجر به تحریم ارسال سلاح به فقها می شد، با رای کشورهای اتحاد شوروی، فرانسه، آلمان و چین مبنی بر بره تملویق افتادن این طرح، روال دیگری یابد.

در بطن شرایط و اوضاع برآمده ناشی از بن بست جنگ و بحران خلیج، رژیم فقها فعالیت دیپلما تیک خود را برای رهائی از حلقه محاصره انجام داده است. آنها با پیش و پس کردن شرایط خود برای پایان دادن به جنگ به زعم خود ما نورهای مهمی در صحنه دیپلما تیک انجام داده اند. فقها می خواهند با بهره گیری از شکاف ذکر شده بین کشورهای مختلف و با کاتالیزه کردن فشارها به شکل گفتگو و غیره، از حدت آن گامه و با جلوگیری از اوج گیری بحران در خلیج وضع را بصورت سابق، که همانا ادا مه جنگ در جبهه زمینی و به ابتکار آلمان است، در آورند. اما در شرایط بحرانی و بسیا ر خطرناک خلیج، علی رغم اختلافات بین آمریکا و شوروی سیاست وقت کشی جمهوری ایلامی نمی تواند نگردد. گشای مشکلات آن باشد.

آنچه که در جوار بر بررسی تحولات جنگ و روشن نمودن موقعیت ضعیف و بن بستهای رژیم فقها اهمیت دارد، عواقب تداوم جنگ و گشاده شدن دامنه آن به خلیج و منطقه ای شدن آن است. این امر مساوی با حضور گسترده نظامی امپریالیسم و در آن آن آمریکا در خلیج است. این چیزی جز ادا مه منطقه گسترش چنین جنگی نبوده است. در حال حاضر ۲۹ فرزند کشتی نظامی دول امپریالیستی در خلیج و محدود آن مستقر شده اند که از آن میان ۲۲ فرزندنا مل سنا و هواپیما بر متعلق به آمریکا است. این با زوی سرکوب امپریالیسم که متعلق به سیاست جنگ افروزان فقها، امکان حضور در منطقه را یافته، نه تنها امروز حرکت آزاد بیخشی را تهدید می کند بلکه بعنوان نیروی مقابله با انقلاب فردای ایران خواهد بود. چنین حضور گسترده امپریالیستی تنها در جهت خدمت به ارتجاع منطقه و مانع امپریالیسم است و در این راستا بکار گرفته می شود. در این میان رژیم فقها که به واسطه حضور نیروی نظامی سرکوب امپریالیسم در منطقه گردیده و راه را برای سیاستهای میلیتاریستی آمریکا گشوده، خود در برابر آن عاجز و درمانده گردیده است.

برای مقابله با بهره برداری خدا انقلابی امپریالیسم و در آن آمریکا از سیاست تسد اوام جنگ فقها و بحران ناشی از آن در خلیج فارس، همه نیروهای مترقی و در رأس آن کمونیستها میبایست هوشیار باشند. ما وظیفه داریم تا با افشاء اهداف امپریالیسم و روشن نمودن عامل حضور امپریالیسم، یعنی رژیم فقها و سیاست جنگ افروزان آنها، وهم چنین عجز و ماسات رژیم اسلامی در این مورد، توده های وسیع را آگاه نموده و برای مقابله بسیج نمائیم.

در موقعیت کنونی خصوصا در خارج از کشور باید دو شعرا در تحریم تسلیحاتی ایران و خروج نیروهای نظامی از خلیج فارس را وسیع بکار گیریم.



## با چدهی دولت آلمان غربی به تروریسم اسلامی

اخیرا پس از ماهها فعالیت دیپلما تیک و از جمله مراجعات مکرر به دولت های جمهوری اسلامی و سوریه یکی از دو گروهگان آلمانی که توسط عمال جمهوری اسلامی در بیروت ربوده شده بودند، آزاد شد. آزاد دی وی ظاهرا با "ساعت جمهوری اسلامی و تحت فشار دولت سوریه که روابط خوبی با حزب الله لبنان ندارد صورت گرفته و از همان آغاز، دولت آلمان هرگونه معامله و امتیاز دهی "غیرا مولی" از سوی خود را در این ماجرا انکار نمود، اما آنطور که از شواهد امر بر می آید، این دولت قول داده است که دو شهکار حزب اللهی را که اکنون در آلمان زندانی هستند پس از طی مراحل قانونی محاکمه و اخراج یعنی آزاد کنند تا بدین وسیله هم امتیازی به تروریسم ندهد و هم طبق قانون رفتار کرده باشد. علاوه بر طبق اطلاعاتی که از نشریات معتبر لبنانی نقل شده است، دولت آلمان با پرداخت مبلغ ۵ میلیون مارک برای آزادی یکی از گروهگانها و اظها را آماده برای پرداخت پول در ازای آزادی گروهگان دیگر، عملیه معامله رسمی با تروریسم وابسته به جمهوری اسلامی پرداخته است. بر طبق اظها رات مناسبت فلسطینی، اکنون روابط کاملا حسنه ای بین دولت آلمان و حزب الله لبنان وجود دارد. در باره عمر این روابط و انگیزه های واقعی طرفین هنوز اطلاعی زیادی در دست نیست اما عوام فریبی و ریاکاری دولت آلمان که به خوبی خود را در باره چدهی و معامله با حزب الله نشان می دهد، یکبار دیگر بوی ادعای دیگری سی طلبی و مبارزه با تروریسم این دولت ها را آشکار می سازد.

# روش فعالیت در گان‌ونهای دموکراتیک را

## اصلاح کنیم

ها را تشکیل می‌دهد، و خط هدایت‌کننده آمیخته‌ای است از گرایش‌ات گوناگون. یکی از این گرایش‌ات که در واقع نقش موثری در منزوی کردن شکل‌ها بر عهده‌دار دیگرانیشی است که توان کانون‌ها را مصروف اقدامات لحظه‌ای کرده، سمت حرکت شکل را از کار مستمر و پایداری در میان پناهندگان، منحرف می‌زند. از نقطه نظر این گرایش‌ها که رواقعی عبارت است از زنجیره‌ای از اقدامات تبلیغی پرسروصدا، برپا کردن آکسیون‌های افشاء رژیم، دفاع از زندان‌ها و سیاسی‌اقدامات ضد جنگ، اشتبسه نگردانیم هرگاه ادعا کنیم، انگیزه تشکیل بسیاری از کانون‌ها و انجمن‌های موجود فقط محلی برای سازمان‌دهی چنین اقداماتی بوده است. کارنامه بسیاری از این شکل‌ها بخوبی این ادعا را ثابت می‌کند. اقدامات مربوط به کار توده‌ای - صفی در میان مهاجرین و حتی کار تبلیغی سازمان‌نگر در میان نیل‌روها یا خارجی برای جلب حمایت سیاسی و مادی آنان چیز است. در عوض لیست بلندی از آکسیون‌های افشاگر جای آن را گرفته است. خصوصیات و نحوه‌ها و ملاحظات این کانون‌ها نیز بسیار قابل است. تنها در یک دوره و در هنگام تدارک و اجرای اقدامات دیده می‌شود که ناگهان همه فعالین عرق ریز به این سو و آنسو می‌روند و در مجمع عمومی بحث‌های داغی درگیر می‌شود. بسا شور و شوق کمیته‌های اجرایی متفاوتی شکل می‌گیرد، اعلامیه‌هایی در سطح شهر پراکنده می‌شود، و سپس با پایان گرفتن آکسیون، همه چیز آرام می‌گیرد، و روخت و بی‌عملی برای مدت طولانی، یعنی تا اقدام بعدی که تاریخش نامعلوم است و وابسته به تحولات و حوادث سیاسی است، بجای آن می‌نشینند. البته در پایان هر عمل نشستی به منظور جمع‌بندی نقاط ضعف و قوت تشکیل می‌گردد که در اغلب آنها یک نتیجه‌گیری بعنوان ضعف عمده استنتاج می‌شود: "بدلیل ضعف تبلیغات برنام‌ها استقبال رو بر نداشتند!" در واقع آنچه مورد نقد قرار می‌گیرد با زهم تبلیغات است و این جمع‌بندی از نقطه نظر دیدگاهی که "تبلیغ" را عامل اصلی گشایش دادن بوده‌ها به صحنه می‌اندکد ملامت‌ناک است. چرا که تمام پیش‌فرض‌ها برای این ارزیابی قرار داده شده اند که مردم مطلع نشده‌اند، اگر ما موضوع را بگوششان می‌رسانیم حتماً آنها به میدان می‌آیند و بی‌سسه نظرات ما می‌پسوندند، ولی آیا واقعاً مهاجرین بی‌خبر از وضع ایران هستند. آیا آنها از عوامل قسب و آثار جنگی که بر کشورشان و مردم می‌رود بی‌اطلاع‌اند آیا غیراً از اینست که اکثریت آنها بخاطر فشارهای ناشی از جنگ به‌دیار غربت مهاجرت کرده‌اند؟ پس دلیل آن چیست که در آکسیون‌های ضد جنگ که

میان پناهندگان مساعد است، و تفا در میان درجه رشد نیافتگی کانون‌ها و آمادگی توده‌های مهاجر در روزنامه‌ها یا ترمی‌گردد، قانع نبودن به وضع موجود و نقد و بررسی تجارت تا کنونی که در نشست‌های مشترک کانون‌ها مبادله می‌شود و همچنین نقشه‌ها ایجاد یک تشکیلات سراسری و کوشش‌هایی که برای هماهنگ کردن کانون‌ها در آلمان شروع شده است، و انگیزی است به ضرورت‌های عملی مبارزه پناهندگان در آلمان که طی ماه‌های اخیر تگانه‌های جدی خورده است. بنا بر این، این حرکتی است درست که بی‌شک به جنبش دموکراتیک خارج از کشور تحریک‌تازه خواهد بخشید. اما باید توجه داشت که با شیم نقطه ضعف جنبش دموکراتیک خارج از کشور در برپا کردن کانون‌ها از یکدیگر نبوده و این خود معلول انحرافات سکتاریستی معینی می‌باشد. و هرگاه دکوشش‌های موجود برای برپا کردن یک تشکیلات سراسری با عیب‌ها و انحرافات از معضل اصلی خود بشود این خود نیز به عامل با زدن رنده دیگری بر سر راه توده‌ای شدن کانون‌ها تبدیل خواهد شد. در واقع اگر بر سر این واقعیت توافق با شکه کانون‌های موجود هنوز در میان پناهندگان استقرار نیافته‌اند و تنها بخش کوچکی از پناهندگان را نمایندگی می‌کنند، جمع شدن آنها در یک تشکیلات سراسری، چیزی جز جمع نقطه‌ضعف‌های موجود نخواهد بود. یک تشکیلات سراسری نیرومند، تشکیلاتی است متکی بر واحدهای پرنفوذ محلی، در غیر این صورت، سقف سنگینی است بر پناهندگان که می‌تواند با عیب شگسته شدن آنها نیز بشود. زیرا در شرایط فقدان یک پایه نیرومند توده‌ای، و به خصوص وجود بوروکراسی در بخش بزرگی از واحدهای محلی، تشکیلات سراسری با وجود آنکه در کوت‌ساز مدت تحریک‌به‌فعالیت خواهد داد و شور و شوقی در میان فعالین بوجود خواهد آورد ولی بوروکراسی و واحدهای پیش‌را در خود به‌واجب خواهد رسانند. ذکر این جنبه‌های منفی به معنای مخالفت با این نقشه نیست و ما خود در مقالات قبلی پیام کارگر این ایده را مطرح کرده‌ایم. بحث بر سر اینست که زهم‌کنش در برپا کردن تشکیلات در کانون‌ها را به تلاش‌ها امکان‌پذیر می‌شود. بیشتر پیاده می‌کنند با بستیم و نگذاریم نقطه ضعف‌های اصلی فعالیت را زیر پوش این فعالیت‌ها پنهان بمانند. و از همه مهمتر انحرافات موجود به سطح یک تشکیلات بزرگتر تعمیم می‌پذیرد زیرا در آن صورت کار مبارزه با آن دشوارتر از امروز و عواقب منفی آن به مراتب وخیم‌تر از حال خواهد بود.

همان‌طور که گفتیم یکی از مشکلات عام تشکیل‌های موجود نشان سیاست قاطع و روشن کار در میان پناهندگان و اولاً تشکیلات آن در مورد جنگی بی‌سج و سازمان‌دهی می‌باشد. این سوالات که حول کدام‌شماره‌ها، با طرح ملاحظات و تسبیح از چه سبک گساری می‌توان بیشترین توده پناهندگان را به گرد کردن جامع آورد، موضوع مباحثه فعالین این شکل-

کانون‌ها و انجمن‌ها برپا می‌کنند با وجود انبوه مهاجرین تعداد اندکی شرکت می‌جویند. در مورد آکسیون‌های دفاع از زندان‌ها، و افشاگر-بیا علیه رژیم اسلامی نیز وضع بهمین ترتیب است. پاسخ کلی ما به این وضعیت اساساً در نقد سکتاریسم فرموله می‌شود. ولی در این بحث مشخص، عملزدگی سطحی و مبتذل که شاخه‌ای از انحرافات اصلی یا دشده است که از کار پیگیری توده‌ای، بصورت مستمر و روزانه تفرقه می‌رود مورد انتقاد است. ما باید این حقیقت را برای خود روشن کنیم که مردم مانند دوندگان آماده در کنار میدان نیستند که با کشیدن سوت از طرف ما بحرکت درآیند. پیوندهای متنوع و بیشماری میان ما با آنها لازم است، که با شیوه‌های آما توری و هر چند گاه یک بار و آنهم به کمک یک عمل بدست نمی‌آید. عمل توده‌ای در میان مهاجرین، کار مداوم و طولانی می‌خواهد. با بسبب خواست‌ها، مشکلات و فشارهای آنها را شناختن و وسیعاً تبلیغ کرد و با کمک خودشان در محفل‌ها و سازمان‌های خودیاری تشکیل داد، بر استی ضرورت سازمان پناهندگان به مثابه یک سازمان صفی توده‌ای از کجانی می‌شود؟! ز موقعیت اجتماعی پناهندگان که به‌بوی ژوازی کشور غیر خودی تحمیل شده است و تحت فشارهای اجتماعی-اقتصادی، فرهنگی به موقعیت مادی و پراکندگی پناهندگان می‌شود. آیا این سخنان به این معناست که سازمان‌دهی اقدامات افشاگرانه ضد جمهوری اسلامی و ضد جنگ عملی بی‌بهره و انحرافی است؟ ما چنین عقیده‌ای نداریم و همه‌انظور که با رها اظهار داشته‌ایم معتقدیم که کانون‌ها و شکل‌های منفی-توده‌ای نباید نسبت به ملاحظات عام دموکراتیک مهاجرین بی‌توجه بمانند و خطت سیاسی و موضوع اپوزیسیون آنها را نادیده بگیرند. زیرا این نیرو را جمهوری اسلامی وادار به مهاجرت کرده، مسئول تمام بی‌بختی‌های آنست و این جمعیت آرزوی بازگشت به کشورش را دارد. ولی از روی این خواست‌ها نمی‌توان، سازمان پناهندگان را برپا کرد. سازمان پناهندگان سازمانی است دفاع حقوق و منافع پناهندگان، همچنانکه سازمان بزشکان یا دانشجویان، هویت خود را با دفاع از منافع لایه مورد نظر خود کسب می‌کند، البته انتقاد ما به آکسیون‌ها فرا ترا اقدامات است که این کانون‌ها علیه جنگ یا اقداماتی مشابه آن انجام می‌دهند. مسئله اینست که حتی دفاع از حقوق پناهندگان را نباید آکسیون‌های منفرد بشمار داد. هم‌انظور که نباید توان هویت و کارکرد واقعی بسبب اتحادیه کارگری را آرزوی تعداد اغتصابی که برپا می‌کنند مورد قضاوت قرار داد. فعالیت بسبب اتحادیه ابداً به سازمان‌دهی اعتصاب محدود نمی‌شود. و یک اعتصاب خوب و موفق خود محصول کار بقیه در صفحه ۱۱

## هفته‌مخافت باجنگ ایران و عراق

آلمان فدرال - ها نور:

### آلمان فدرال - هامبورگ

کمیته برگزاری هفته‌جنگ خلیج در هامبورگ با صدور اطلاعیه‌ای ۲۱ تا ۲۶ سپتامبر را هفته‌جنگ اعلام کرده است. در اطلاعیه چنین آمده است: "از ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۱ تاکنون جنگ جنایتکارانه‌ی، طولانی تراز جنگ جهانی دوم در منطقه خلیج فارس شعله‌ور است که تنها تولیدکنندگان ابزار جنگی در تمامی قاره‌ها از آن سود برده‌اند. این جنگ تاکنون براساس آخرین آمار، از دو طرف حدود یک میلیون کشته، ۲/۵ میلیون مجروح، بیش از ۷۵ هزار اسیر جنگی و بالغ بر شش میلیون آواره ببار آورده است، پایانی بر آن متصور نیست. سلاحهای شیمیایی ممنوعه بکار میرود، مردم غیرنظامی، بیمارستانها و مدارس بمباران میشوند و حقوق بشر در هر دو سرزمین، زیر پا گذاشته می‌شود.

کمیته در اطلاعیه خود خواستار پایان یافتن بدون قید و شرط جنگ، قطع صدور اسلحه، شناسایی حق پناهنده‌گی برای فراریان از جنگ و آزادی قید و شرط اسرای جنگی و زندانیان سیاسی و رعایت حقوق بشر در هر دو کشور گردیده است. برنامه‌های هفته‌جنگ از این قرار است:

۱- سه‌شنبه، و چهارشنبه ۲۲ و ۲۳ سپتامبر

نمایشگاه عکس از جنایات جنگ. ۲- سه‌شنبه ۲۲ سپتامبر ساعت ۷ بعد از ظهر مناظره پیرامون جنگ. ۳- چهارشنبه ۲۳ سپتامبر، گزارش سفر آقای (Peterschmitt) پترشوت به ایران. ۴- شنبه ۲۶ سپتامبر ساعت ۱۱/۳۰ تظاهرات علیه جنگ. کارونهای دمکراتیک، احزاب و سازمان‌های سیاسی زیر اقامت کمیته برگزاری هفته‌جنگ خلیج - هامبورگ حمایت کرده‌اند:

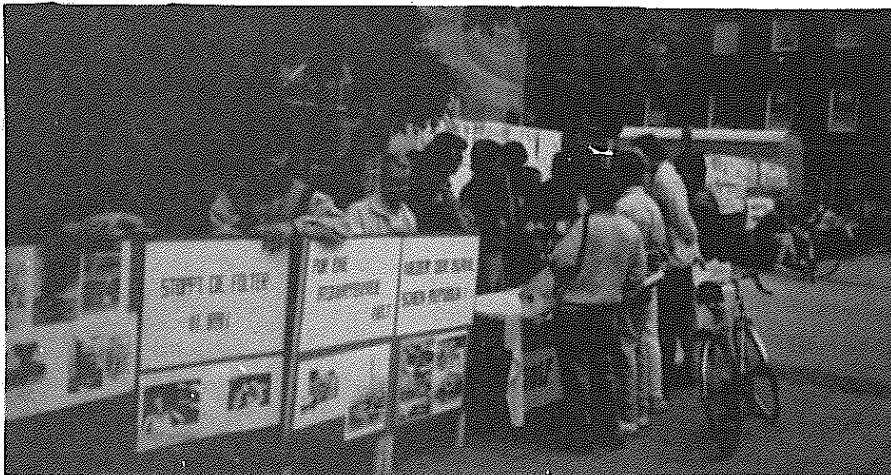
۱- کارون دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ایران (هامبورگ) ۲- کارون دمکراتیک دفاع از حقوق پناهندگان سیاسی و دانشجویان ایرانی (هامبورگ) ۳- کارون دوستان هنر ایران ۴- هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر - هامبورگ) ۵- حزب سبزها ۶- حزب کمونیست آلمان ۷- اتحادیه ملخ آلمان ۸- جمعیت ضد فاشیست‌ها ۹- انجمن نویسندگان آلمان در صنایع چوب و کاغذ ۱۰- جمعیت ملخ اپندورف. ۱۱- کمیته ضد جنگ ایران و عراق (هامبورگ) ۱۲- کمیته ضد جنگ خلیج ۱۳- اتحادیه دانشجویان عراقی در آلمان و برلین غربی ۱۴- اتحادیه دانشجویان دانشگاه هامبورگ

### تظاهرات علیه جنگ ایران و عراق

بناسبت آغاز هشتمین سال جنگ او تجمعی بین ایران و عراق کمیته مشترکی توسط کارون پناهندگان سیاسی هامبورگ، کارگاه سیاسی - فرهنگی هامبورگ، کمیته دفاع از زندانیان سیاسی هامبورگ، تشکل مستقل زنان و جمعی از عراقیهای مقیم هامبورگ تشکیل گردید. این کمیته با چاپ پوستر و چند اطلاعیه و تبلیغ حول برگزاری این تظاهرات و گذاشتن سه نوبت میز و روزهای شنبه چهارم، چهارشنبه هفتم و جمعه هم‌مهرماه در مرکز شهر همراه با نمایشگاه عکس واقعاگری فجاج جنگ جاری بین این دو کشور و... تظاهرات سوم اکتبر (یا یاد هم‌مهرماه) را تدارک دید. علاوه بر اعلامیه‌ها و پوستر مشترک، هر تشکل اعلامیه جداگانه‌ای نیز به زبانهای فارسی و آلمانی چاپ و پخش کردند و هرکدام از آنها برای اهدافی عمومی فاش ساختند و همچنین ارسال اسلحه و کمکهای اقتصادی و بازگانی کشورهای جهان - و از جمله آلمان - را محکوم کردند.

تظاهرات از ساعت ۱۱ صبح روز شنبه در مرکز شهر برگزار گردید و حدود ۴۰۰ نفر ایرانی و آلمانی در آن شرکت کردند. تظاهرات در ساعت ۱/۳۰ بعد از ظهر با قرائت قطعنامه مشترک کمیته به کار خود پایان داد.

## جنگ ایران و عراق باید پایان یابد



شهر ۱۲۰۰۰ عدد اعلامیه آلمانی پخش نموده و طوماری را در حمایت از قطع کمکهای سیاسی و اقتصادی دولت آلمان فدرال به امضاء ۱۵۰ تن از سردم رساندند. این آکسیون با شرکت اکثریت ایرانیان مقیم کوشنلند و حضور گروهی از ایرانیان شهرهای اطراف برگزار گردید. تعدادی از احزاب و سازمانها و نیروهای سیاسی در منطقه از این آکسیون حمایت کردند. از جمله، حزب سبزها، انترناسیونال دانشگاه مونستر، و تعدادی از سازمانهای ایرانی از جمله هواداران سازمان،

دولتهای آن منطقه باشد. ۳- دفاع از تلاشهای ملخ زمان ملل متحد در چارچوب حق تعیین سرنوشت خلقهای دو کشور و ملخ ترا فتمندانه هستیم." شورای پناهندگان سیاسی ایران - کوشنلند و حومه روز دوشنبه ۲۱ سپتامبر آکسیون افشاگرانه‌ای راه‌همراه با نمایشگاه عکس از جنگ و اختناق و مبارزات توده‌ها برگزار نمود. اولین حرکتی است که ایرانیان این شهر در افشای رژیم جمهوری اسلامی انجام داده‌اند. از اینرو شورای برای آشناساختن هرچه بیشتر مردم

### آلمان فدرال - کوشنلند:

این عنوان اعلامیه‌ای است که شورای پناهندگان سیاسی ایران - کوشنلند و حومه در رابطه با جنگ هشتساله ایران و عراق اطلاعیه‌ای منتشر کرده و فجاج ناشی از آن را افشاء نموده است. در قسمتی از اعلامیه چنین می‌خوانیم: "... هدف رژیم جمهوری اسلامی از ادامه جنگ، تحکیم سلطه رژیم شوکراتیک در ایران و کشورگشایی برای تاسیس خلافت آیت‌الله‌ها در منطقه خاورمیانه و حتی جهان است. اکنون با متشنج شدن منطقه خلیج فارس و ناامنی گشتن آبهای این منطقه و حضور نظامی وسیع آمریکا، انگلستان، فرانسه، ژاپن، ایتالیا و... که فقط تعداد سربازان آمریکا بی ۲۰ هزار و تعداد دنا و های جنگی آن به ۴۱ فروند می‌رسد، ابعاد شعله‌ور گشتن هر چه بیشتر تشنج در منطقه به یک احتمال جدی تبدیل شده است." در قسمتی دیگر از اعلامیه خطاب به سردم ملحدوست و شرافتمند، اضافه گردیده: "در صورتیکه هر روز رژیم جمهوری اسلامی در میان خلقها و دولت‌های سراسر جهان افشاء و منزوی می‌گردد، دولت جمهوری فدرال آلمان روابط گسترده‌تری را با این رژیم تروریست پرور برقرار نمی‌کند. ما خواهان: ۱- قطع ارسال اسلحه و هرگونه تقویت کشور جنگ افروز و قطع حمایت‌ها و حکومت آن می‌باشیم. ۲- قطع مداخلة و حضور مستقیم ایالات متحده از منطقه خلیج فارس بوده و معتقدیم امنیت خلیج با بدعهدی

کرده است. از این مهمتر اینکه یکی از جوهر بر جسته کلیه گروهها و محافل انقلابی چپ در آن سالها حزب بندی با اپورتونیسیم حزب توده بوده است. بدیهی است ذکر این فاکت های برجسته "فدتوده ای" که بلندترین پرچم مبارزه علیه اپورتونیسیم و تسلیم طلبی طی سالهای پیش از انقلاب را در دست داشتند برای حزب توده صرف نداشت است. از این هم که بگذریم با بعضی "لغزش های" نویسنده مقاله و داوری های "غیرمتفانه" او را و امسی دارد نکاتی را متذکر گردیم. در استدالات "ناهم مردم" صحبت از اینست که فد. توده ای ها با لایحه سر از آخور فدا انقلاب در می آورند، این ورطه هولناکی

## نمی توان "چپ" بود و ضد توده ای نبود!

است بر سر راه آنها و برای متقاعد کردن خواننده بی خبر، انورخا مه ای را مقابل چشمش می گیرد و می نویسد:

"انورخا مه ای که بیش از چهار سال خفقا نگرفته بود، در رژیم جمهوری اسلامی یکبار از زبان ساز می کند و با اجازه و اشارت رژیم، خاطرات خود را منتشر می کند، تا در اوضاع و احوالی که "سنگ را بسته و سنگ را رها کرده اند" به حزب توده ای را فحاشی و لجن پراکنی کند." ولی در این اوضاع و احوال که "سنگ را بسته و سنگ را رها کرده اند" چرا حزب توده از احسان طبری که عمیق تر از خا منه ای به حقانیت اسلام ایمان آورده و قاطع تر و پرمغز تر از تمام مرتدین و همپالنگی ها یان جنبش انقلابی و فلسفه ما رکسیستی را تخطئه می کند حرفی به میان نمی آورد؟ آیا رهبران این حزب ده ها برابر کاری تر از خیانت خلیل ملکی ها بر بیکر نهفت انقلابی ضربه وارد نداشتند؟ کجا نیکخواه ها و انورخا مه ای ها توانستند زهر تبلیغاتشان -

را تا این درجه در رنگهای جنبش انقلابی کشور ما فرو کنند، از این ها مهمتر و رسوا کننده تر اینکه تا ریخ جدید این حزب جز ننگ و خیانت و غلطیدن در دام ارتجاعی ترین رژیم فساد کمونیست تاریخ ایران چیزی نبوده است و شرم آورتر از همه اینکه، حزبی که خود را هنوز بطور کامل از آن ورطه بیرون نکشیده و هنوز بسینه برنا مه ای فدا انقلابی هم کاری با رژیم اسلامی مباحات می کند و مهم ترین شاخص خط خیانت پیشگی طی سال های گذشته بوده، و متعفن ترین منجلابی است که خط انقلابی حتی الامکان با یه خود را از آن دور نگه میداشت، دم از سرانجام خیانت آمیز "فدتوده ای ها" می زند! حزب توده مخالفین خود را از ورطه ای می ترساند که خودبخود مهمی از زندگی اش را در آنجا گذرانده و رهبران دست اول آن هنوز مشغول دعوت از جوانان انقلابی برای رفتن به آن منجلاب هستند. و حزب توده به چنین رهبرانی افتخار می کند، بنا بر این باید سؤال کرد آیا سلا

هدف حزب توده از این مقاله، بازداشتن "چپ" های مادی "از غلطیدن در منجلاب ضد - بقیه در صفحه ۱۱

ندیدن این مسئله که ما مدتها از طرف حزب انجسام می گیریم از یک شیوه کار ملارندانه برای مسخ محتوا های سیاسی اساسا متفاوت مرز بندی با حزب توده ناشی می شود. این نکته وقتی بخوبی عیان می گردد که پای گروه های دموکرات و انقلابی به میان می آید و مخالفت آنها با حزب توده از طرف این حزب با موضع آن خائنین یکسان نشان داده می شود. بی پایکی و خصلت ارتجاعی این منطق نیز از همین جا عیان می گردد. تما می "فدتوده ای ها" قطع نظرا از اینکه از چه زاویه و با برخورداری از کدام بینش به مرز بندی با رژیمیم حزب توده می رسند در کنار هم قرار داده می شوند. دقیقا مثل استدلال

سازمان مجاهدین خلق که همه "فدشورائی ها" را ارتجاعی قلمداد می کند و یا خمینی که همه مخالفین رژیم اسلامی را آمریکائی معرفی می کند. حزب توده در اصطلاح بررسی فاکت های تاریخی برای مدلل ساختن منظور خویش نه تنها به شیوه ای ردیابانه خائنینی چون انورخا مه ای و خلیل ملکی و نیکخواه را در کنار جریان است انقلابی قرار داده بلکه سراسر دست به جعل و تحریف زده است. چنانکه در گریه های درونی "اقلیت" و حتی پیدایش این سازمان را نتیجه ضدیت این سازمان با حزب توده عنوان می کند. حال آنکه اولی بحران درونی "اقلیت" بحران پوپولیسم ضد امپریالیستی چپ انقلابی است که آبخشور ایدئولوژیک آن سرچشمه مشترکی با اپورتونیسیم حزب توده دارد، ثانیا و مهمتر، اینکه "اقلیت" نه در ضدیت با حزب توده بلکه در ضدیت با رژیم جمهوری اسلامی بوجود آمد، حال اگر ضدیت با رژیم جمهوری اسلامی همراه نشدن با آن در سرکوب دموکراسی و انقلاب ضدیت با حزب توده هم معنا می دهد این دیگر به گردن اقلیت نیست. در مورد درگیری میان کومه له و حزب دموکرات هم که حزب توده علت را به ضدیت کومه له با حزب توده ربط داده است قضیه دیگر سراسر خنده آور شده است. البته در این مورد حزب به نحونا شیانه ای قصد دلربائی از حزب دموکرات را دارد. ولی فراموش کرده است زمانیکه حزب دموکرات و کومه له متحدان در برابر حملات رژیم به شهرهای کردستان ایستادگی می کردند این حزب توده بود که از پشت به جنبش کردستان خنجر زد و برای پاسدارانی که به سینه پیشرگان خلق کردستان شلیک می کردند کف می زد و هورا می کشید.

اما حزب توده که در تاریخ نگاری خیره است و حتی حوادث سالهای بسیار دور گذشته را فراموش نمی کند و خلیل ملکی ها را از قلم نمی اندازد، چطور بیژن جزنی را که بزرگترین اتوریته انقلابی جنبش چپ در دهه ۴۰-۵۰ است و یکی از جوهر بسیار نقش انقلابی او در مبارزه اش علیه رژیم و بطور مشخص علیه حزب توده تجلی می یافت، فراموش

نمی توان "چپ" بود و ضد توده ای نبود! با وجود آنکه تجارب سال های اخیر کشور ما با معرفی نمونه های زنده و برجسته ای تحت بی چوونو چرای معیارهای لنینی برای ارزیابی ما هیست احزاب سیاسی، یعنی بررسی تاریخ واقعی احزاب و مواضع عملی آنها نسبت به مهمترین مسائل مبارزه طبقه کارگر را به ثبوت رسانده است، هنوز در جنبش ما گروه های سیاسی هستند که با روی برتافتن از این آموزش ما رکسیستی معیارهای را مبنای داوری خود قرار می دهند که گاه بسیار مضحک و رقت انگیز است. یکی از نمونه های تیپیک این مثال پدیده حزب توده است. این

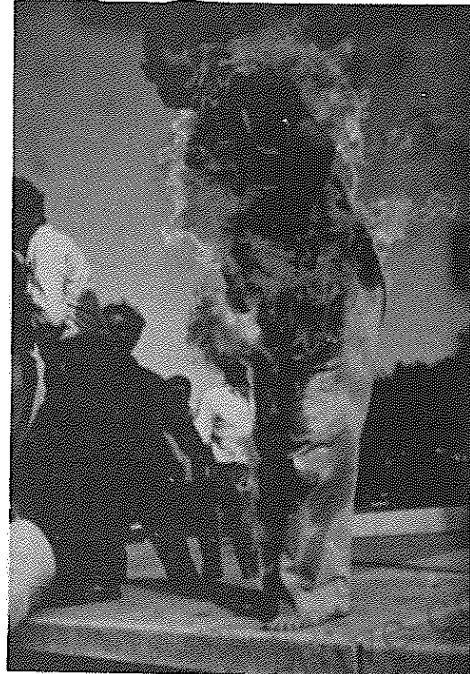
حزب که بخاطر خیانت های سنگین و بیشمار خود از همه سوتحت فشار رفته و با تزلزل رقصت - انگیزی همچنان از مواضع اپورتونستی خود دفاع می کند در نامه مردم شماره ۱۲۵ دعا کرده است که "نمی توان ضد توده ای بود" "چپ" این ادعای غریب در عین حال یکی از اشکال شناخته شده سرکوب ایدئولوژیک توسط این حزب می باشد و هنگامی بکا گرفته می شود که تمام راه های گریز از پاسخگویی به سیل سئوالاتی که در مقابل اش قرار می گیرد مسدود می شود. این ادعا یک پله بالاتر از تمسک جستن به شهیدان و نسب رساندن به ارنیها و روزبه ها و یا به رخ کشیدن امضاء احزاب برادر و توسل جستن به اتوریته ها و تیکت ها برای ترساندن و خاموش ساختن مخالفینش می باشد. اما در وضعیت کنونی جنبش که کمترین حیثیتی برای این حزب اپورتونست باقی نمانده این شبیحات بیشتر به شوخی می ماند و فقط باعث خنده می شود. با این حال با وجود تاریخ طولانی منجلاب اپورتونستی که این حزب در آن غوطه ور بوده و بخصوص دوره ۸ ساله وحدت ضد انقلابی آن با رژیم اسلامی جالب است بدانیم مخاطب حزب توده در این مقاله کیست؟ چرا امروز چنین معیاری عرضه می کند و اولایشوا نه حزب در این ادعا چیست؟

برای این منظور حزب ظاهرا به تاریخ رجوع می کند و اظهار می دارد: "شواهد و تجربهای تاریخی نشان داده اند که "چپ فدتوده ای" اندک اندک به عمیق ترین ورطه "راست" در می غلتد." سپس بنحونا شیانه و دست و پا شکسته ای از مجموعه نا همگنی که یکسری به خلیل ملکی و سردیگرش به "اقلیت" و "کومه له" وصل می شود تاریخ را مونتاز می کند که فقط ممکن است باعث فریب بچه مدرسه ایها بشود. بگذارید قبل از همه این نکته را روشن کنیم که میان آن زمینه های اجتماعی و سیاسی که باعث خیانت و ارتداد افراد و امثال خلیل ملکی و انورخا مه ای شد با موارد مشابه خیانت نیکخواه ها تفاوت وجود دارد و برای هر کدام علل و سبب تاریخی - سیاسی مشخصی وجود دارد و توضیح بر این بطنه و موضوع آنها علیه حزب توده معلول این تحولات بوده و نه برعکس.

# خودسوزی و شهادت ایرانی مبارز نیوشا فرهی

۱ آمریکا - لس آنجلس

عده‌ای از ایرانیان مبارز و مترقی مقیم لس آنجلس در اعتراض به سفر خا منده‌ای رئیس جمهور جنایتکار رژیم فاشیست چهره‌گریه‌ود د منش جمهوری اسلامی با تشکیل "کمیته اعتراض به ورود خا منده‌ای به سا زمان ملل" تظاهراتی را در تاریخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۷ در مقابل ساختمان فدرال، و مستط وود لس آنجلس ترتیب دادند. جمعیت حاضر در تظاهرات با انزجار از رژیم اسلامی شعاهای "سفر خا منده‌ای را به سا زمان ملل محکوم می‌کنیم"، "سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی"، "ارسال اسلحه به رژیم خمینی را محکوم می‌کنیم"، "مرگ بر ارتجاع، زنده باد آزادی" و... فریاد می‌کردند.



هنگام قرائت قطعنامه پایانی تظاهرات که خواستار قطع فروش اسلحه به دولت‌های درگیر جنگ و اخراج دولت ایران از مجمع بین‌المللی از جمله سا زمان ملل بود، "نیوشا فرهی" هم‌وادر سا زمان چریک‌های فدایی خلق از مبارزین خارج از کشور بخاطر اعتراض به دهشت حاکم پرکشیورمان و افشای رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در مقابل چشمان حیرت زده تظاهرهاکنندگان و مرد محاضر در صحنه در حالیکه فریاد "مرگ برخمینی" سر میداد خود را آتش زد. علی‌رغم اینکه دوستان و یاران وی بلافاصله به طرف او هجوم برد و آتش را خاموش کردند، ولی بخاطر شدت خودسوزی ۷۰ درصد بدن نیوشا طعمه حریق گردید. جمعیت نگران و متقلب با کمک گرفتن از "تیروهای آمداد" بدن سوخته نیوشا را به بیمارستان دانشگاهیوی. سی. ال. ای رساندند. بیمارستان مزبور در لیل سوختگی مفرط نیوشا محدود بود و امکانات خود ازیب‌پزش او سرپا زد. بایستی نیوشا را به بیمارستان خصوصی منتقل می‌کردند و در آنجا ۱ تا ۱۵ هزار دلار رویسای وثیقه مالی برابر با ۲۵ هزار دلار برای پذیرش او ای بدن سوخته نیوشا درخواست می‌شد. اما بدلیل ناکافی بودن میزان مبلغ آماد هشداه از طرف یاران نیوشا، بدن سوخته وی تا اواسط روز بعد روی دستها ماند. تا اینکه بیمارستان عمومی دانشگاهیوی. سی. ال. ای او را پذیرفت. ولی با کمال تاسف نیوشا فرهی چند روز پس از خودسوزی در بیمارستان درگذشت و طی سنگین برد لها جان نهاد.

بد نیال مرگ نیوشا روز یکشنبه ۴ اکتبر ۱۹۸۷ در محل خودسوزی نیوشا صد هانفرا ایرانیان مترقی باشعار مرگ بر جمهوری اسلامی ایران نایب بود باد بقایبلی سلطنت دست به تظاهرات زدند. در رایبسن تظاهرات که قطعنامه‌ای بر مبنای وصیت نامه نیوشا تهیه شد، بود، توسط برادر وی "پیام قرائت گردید. قسمتی از وصیتنامه نیوشا فرهی:

"... خون من رنگینتر از خون خلیق کرد، یسای زنان حامله‌ای که اعدا اهد هاند و یاد خترانی که به شنیعترین اشکال شکنجه می‌گردند... نیست. اگر چشم‌چساعت، ایمان و بزرگی آنها را فدای ارم و به طریق اولی به انداز آنها عاشق نیستم..."

متن کامل دست نوشته نیوشا فرهی در صفحه ۱۴

پیام تسلیت  
کمیته خارج سا زمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)  
به خانواده، رفقا و دوستان نیوشا فرهی

بی‌گمان مرگ تکان دهنده و دلخراش رفیق نیوشا فرهی برای همه مبارزان آزادی و سوسیالیسم دردناک و سوزنده بود. شهادت نیوشا فرهی انعکاس در دها و کینه فروخته‌ای است که در وجود توده‌های رنج کشیده می‌غرد و مرگ مرتجعین حاکم را نوید می‌دهد. برخلاف خواست و تصور رژیم ولایت فقیه نه تیرباران انقلابیون و نه شکنجه و زندان نتوانسته است روح پیکارجویی را که بیش از ده سال است در میان زحمتکشان ما زیانه می‌کشد خاموش سازد. این مقاومت هم‌اکنون در کارخانه‌ها، در روستاها، در کردستان و بلوچستان و حتی در سیاه چالها جاتی که جنگ‌های مزدوران گلوبی فرزند آن انقلابی خلق را می‌فشارد، قد می‌کشد و سرود رهائی سر میدهد و همین سرود است که از جان سوزان نیوشا فریاد زده می‌شود، فریاد نسلی که خاموشی نمی‌گیرد، نام نیوشا فرهی امروز در کنار نسل انقلابی قرار دارد که راه‌های خلقی خلق‌های تحت ستم ایران از نشار جان نیز در ریغ نورزیدند.

د رود بر جان باختگان آزادی و سوسیالیسم!  
مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی!  
مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!

سا زمان کارگران انقلابی ایران  
کمیته خارج از کشور  
۱۰ اکتبر ۱۹۸۷

## آنگاه...

ستمگران  
در سراسر پهنه خاک  
مکتب نفرت و کینه بنا می‌کنند،  
اما  
روزی  
رنجبران  
آن همه را درهم خواهند شکست  
و در سراسر پهنه خاک  
مکتب دوست داشتن  
بنا خواهند کرد.

ستمگران  
زمین را  
سراسر  
به زندانی مبدل می‌کنند

اما  
روزی  
رنجبران  
هر زندانی را به گلستانی بدل خواهند کرد

ستمگران  
زمین را  
سراسر  
زرادخانه‌تی می‌کنند  
بمب و تفنگ و مرگ را،  
اما

روزی  
رنجبران  
زمین را  
سراسر  
کارگاهی می‌کنند  
زندگی را و مهر ورزیدن را.  
و آنگاه دیگر

نه کینه‌تی به جا خواهد ماند و نه نفرتی  
نه زندانی به جا خواهد ماند و نه جنگی!

ترجمه جلال‌الدین ملکشا  
به نقل از کتاب جمعه  
سال اول شماره ۶

## اطلاعیه

در مورد حرکات اعتراضی پناهندگان در ایالت بایرن آلمان فدرال، اطلاعیه ای از "شورای هماهنگی حرکت اعتراضی پناهندگان بایرن" بدست ما رسیده است که به درج آن میبایست در دست ما رسید.

آلمان فدرال - اونیورسیت (بادن)  
تحصن و اعتصاب غذا برای حمایت از زندانیان سیاسی ایران

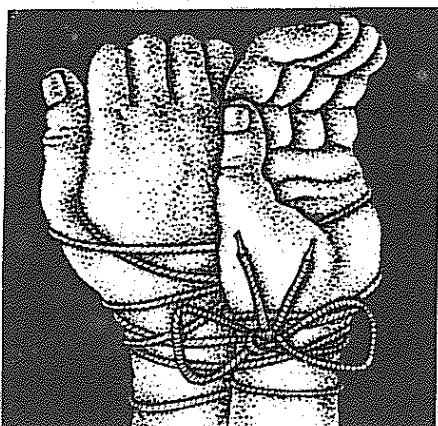
کانون پناهندگان سیاسی منطقه اونیورسیت برای حمایت از زندانیان سیاسی قهرمانان زندانیان ایران و افشای رژیم مستعمر و سیاه جمهوری اسلامی در مقابل افکار عمومی و جلب توجه و حمایت نهاد های مترقی و بشردوستانه از ایران در رینسد و مردم زحمتکش و ظلم دیده ایران، محصلین و اعتصاب غذای را از تاریخ ۶ سپتامبر مدت ۱۰ روز با موفقیت ترتیب داد.

تحصن و اعتصاب غذای مزبور که با خواسته های ۱- مذاکره با نمایندگان سازمان ملل متحد، سازمان عقوبت الملل و صلح سرخ جهانی جهت اعزام هیاتی برای بررسی اوضاع زندانیان ایران، ۲- محکوم نمودن شکنجه و اعدام توسط مراجع حقوقی بین المللی و درخواست آزادی زندانیان سیاسی شروع شده بود، توانست حمایت اکثریت قریب به اتفاق احزاب، سازمانها و نهاد های مترقی و بشردوستانه را از زمانه اعدا لانه ای مردم ایران علیه دیکتاتور رژیم صهیونیستی جلب کند، به نحوی که امنست تقبل کرد تا تلاشهای پیگیرانه تری را در مخالفت با شکنجه و اعدام زندانیان ایران انجام دهد. در طی اعتصاب تعداد زیادی از مردم انسان دوست شهرها امضای طومار اعتراض خود را به شرایط حاکم بر سر نوشت مردم ایران ابهر از داشتند و سازمانهای زیرا خواسته های اعتصابیون حمایت کردند. کنفدراسیون اتحادیه های کارگری آلمان (DGB)، حزب کمونیست آلمان (DKP)، حزب سبزها و...

● کانون پناهندگان سیاسی منطقه اونیورسیت (بادن) گاهنامه ای را در ۳ صفحه با نام "پناهنده" منتشر کرده است. شماره اول این گاهنامه تاریخ نیمه اول مرداد ماه را دارد. گاهنامه شامل مطالب ویژه گفتار اخبار ایران، اخبار پناهندگی، اطلاعیه های کانون و "شعر" است. ما برای پناهندگان این کانون و گسایر هنامه شان آرزوی موفقیت در پیشبرد اهداف آن را داریم.

آدرس کانون پناهندگان سیاسی اونیورسیت (بادن)

Panahandeh  
Postfach 1314-7602 Oberkirch  
W - Germany



روزا اعتصاب غذا در لاکر شافهوف - با شرکت پناهندگان ایالتی از لاکرهای هرسبروک و کارول اشتراسه فورتن و روزا اعتصاب غذا در لاندس هوت با ردیگر بوا سله مباحثه های مطبوعاتی و رایوئی با شرکت نمایندگان احزاب سیاسی مختلف آلمان، ارسال پیام به سازمانهای سیاسی و انجمنهای دیگر، تیکه، شرکت در سمینار انجمنهای کانونهای دیگر آلمان (دانشگاه و مطبوعات) با حضور در مجمع سیاسی و مذهبی مختلف جهت توضیح مشکلات و روند حرکت و وضعیت لحظه، نیز توضیح واقعات پیش گفته به بازدیدکنندگان و حمایتگران از اعتصاب غذای آگاه سازی افکار عمومی از مسائل دردناک زندگی و آینده، مبهم خود اقدام نمودیم، تردیدی در شریختی این تلاشها وجود ندارد!

اعتصاب غذای اعتراضی و افشاگر ما در شرایط آغاز شکنجه ایرانیان پناهنده، سیاسی لاکر میکا وزن از یکماه قبل از آن به با یکوت پیوسته، سه لاکر در رگنزیورگ با بیش از ۲۳ نفر از ۲۴ ملیت پناهندگان لاکر ما رگنزیورگ و بخشی از پناهندگان با بیروت نیز از ۱۵ سپتامبر به تحریم جیره غذایی تحمیلی دست زدند. همچنین سه لاکر در رگنزیورگ و آکسبورگ، لاکرهای هرسبروک، هوخ اشت، لویگن دبلینگن، وایدن، تاپرلیتس و دیتن هوفن آمادگی خود را جهت با یکوت جیره تحمیلی اعلام نموده و با برگزاری راهپیمایی تظاهرات ایستاده افشاگر حمایت قاطع خود را از مبارزات و مطالبات پناهندگان متشکل در "شورای هماهنگی..." را نشان دادند. سرانجام - علیرغم بی توجهی غیرمسئولانه مقامات دولتی - آقای "والتر کنراد" شخصیت انسان دوست و مودبانه، نماینده "SPD" در پارلمان بایرن با حضور در مجمع اعتصابیون کوبورگ و کسب شناخت بیشتر از مسائل و مشکلات پناهندگان بایرن و با فهم حقانیت درخواستهای آنان پذیرفت که با انتشار نامه در مطبوعات خطاب به آقای اشتراوس - نخست وزیر بایرن - از مطالبات "شورای هماهنگی..." اعلام پشتیبانی نماید. وی پس از اخذ تماس تلفنی با رئیس فراکسیون SPD در پارلمان بایرن از سوی ایشان قول داد که از خواسته های "شورای هماهنگی..." "ویژه" تفویض حق انتخاب مواد غذایی با پرداخت پول... - جهت تحقیق آنها - حمایت جدی نماید.

لذا "شورای هماهنگی" در پایان روز ۲۹ سپتامبر تصمیم گرفت جهت دادن فرصت مقتضی و به احترام درخواست آقای کنراد اعتصاب غذا را پایان یافته اعلام نماید. "شورای هماهنگی..." ضمن سپاسگزارى از تمامی پناهندگان ایالت بایرن که با هدیه بخشی بقیه در صفحه ۸

افکار عمومی مترقی آلمان! بشردوستان، آزادیخواهان!

سازمانهای سیاسی انقلابی، انجمنهای کانونهای دموکراتیک پناهندگان سیاسی! حکایت عشق و باور ما به دموکراسی و آزادی، شناخت حقوق قانونی و انسانی مان بمباحثه پناهنده سیاسی، بی حقوقی و زندگی رقت انگیزمان در لاکرها، آینده ناروشن و آمار نگران کننده، مردودین متقاضی پناهندگی، شور و شوق و اراده عمومی برای تغییر شالوده ای وضع موجود زندگی غیر انسانی پناهندگان در ایالت بایرن، درک ضرورت پیکار متحد جهت تاسیس برسیاست دولت آلمان پیرامون مسئله پذیرش پناهندگان تلاش برای شناخت عامل عینی "تعادل قوا" ... سرانجام ما پناهندگان لاکرهای اوفا اشتراسه، کوبورگ، موگندورف، لاندس هوت و بخشهای از پناهندگان لاکرهای رگنزیورگ و شافهوف نورنبرگ را بر آن داشت که پس از با یکوت جیره تحمیلی غذا با سازماندهی "شورای هماهنگی لاکرهای متعرض ایالت بایرن" حرکت آگاهانه، نقشه مند و متحد خود را با هدف بسیج افکار عمومی مترقی آلمان، پناهندگان سیاسی، سازمانهای سیاسی انقلابی و انجمنهای کانونهای دموکراتیک پناهندگان سیاسی و نیز احزاب و نیروهای مترقی آلمان در راهی آغاز نمائیم.

ما بر این اعتقاد بودیم که اگر پناهندگان سیاسی بایرن فعال نشوند و بخاطر مبرم خویش پیگیرانه پیگیراننگند، چنانچه پشتیبانی فعال پناهندگان سیاسی سراسر آلمان و پناهندگان سیاسی فراسوی مرزهای آلمان و تشکلهای مترقی آنان و سایر تشکلهای انقلابی از مبارزات ایسین "شورا" "شورا" برانگیخته نشود، حتی گامی به پیش نمی توان برداشت.

از این رو با یکا و تبلیغی وسیع، راهپیمایی های سوم بولی و ۱۵ سپتامبر، تحصن، ارسال نامه به نخست وزیر آلمان و بایرن، و ارسال کپی آن به کمیاری امور پناهندگان سازمان ملل متحد، سازمان عقوبت بین المللی، ملیت سرخ آلمان و دیگر مقامات مسئول و... با ارسال نامه ها و پیمایشی به سازمانهای سیاسی، انجمنهای دموکراتیک و لاکرهای حمایتگر ایالت بایرن کوشیدیم به این امر مهم تا اثل شویم.

حاصل تمامی تلاشهای فوق مواجهه با بی اعتنائی محض مسئولین امر بود. چنین بود که دست اندکاران امور پناهندگان ایالت بایرن اعتصاب غذا را به ما تحمیل کردند!

در جریان ۱۵ روزا اعتصاب غذا در کوبورگ، ۱۴

دومین

سمینا رسراسری کانون های پناهندگی و تشکلهای دمکراتیک ایرانیا ن  
در آلمان فدرال

دومین سمینا رسراسری کانونهای پناهندگی ۰۰۰ طی روزهای ۱۹/۹/۸۷ و ۲۰/۹/۸۷ با شرکت ۱۸ کانون و تشکل دمکراتیک در شهردارمشتات آلمان فدرال برگزار گردید. اولین سمینار در تاریخ ۸/۵/۸۷ در شهر نورآلمان فدرال تشکیل شده بود.

سمینا رکار خود را روی دو تم اصلی: استعریف پناهنده سیاسی و دفاع از حقوق پناهندگی ۲ - میان بی فعالیت مشترک و تهیه پلاتفرم آن متمرکز نمود. در رابطه با محور اول تعریف زیر "۱- کلیه انسانها شیکه ز وطن خود بدلیل اقتصادی - سیاسی فرهنگی، ملی، مذهبی، ستم جنسی (لغو حقوق) جنماعی زنا، عقیدتی و جنگ گریخته اند بعننوان پناهنده سیاسی شناخته میشوند ۲- از این رو دفاع از کلیه حقوق اجتماعی - انسانی پناهندگان بدون در نظر گرفتن وابستگیهای سیاسی - سازمانی آنها ضروری میباشد ۳- بنا براین دفاع از حقوق اجتماعی - انسانی کلیه پناهندگان بمعنای دفاع از عقاید سیاسی - سازمانی آنها نخواهد بود" مورد توافق همد کانون و تشکل دمکراتیک قرار گرفت (یستک نماینده در رای گیری شرکت نکرد). از این تعداد در ستادگان ۹ کانون و تشکل دمکراتیک به ضرورت افزوده شدن بند زیر (بند ۴) به سه بند بالا رای دادند: "۴- دفاع از حق پناهندگی بعنوان یکی از حقوق دمکراتیک، مستلزم افشای کلیه احزاب و حکومتهاست که در سرکوب آزادیهای دمکراتیک و از جمله نقض حقوق پناهندگی دخالت داشته و دارند." در رابطه با محور دوم سمینا ربه جمع بندی های زیر دست یافت:

"۱- اکثریت کلل نیروهای شرکت کنندگان از مبارزاتی که در جهت حقوق پناهندگان و دفاع از حقوق آنها با شدیدیابی می کنند ۲- اکثریت کامل نیروها بر این نظر هستند که کمیته ارتباطی سراسری بین کلیه نیروها و انجمنها و تشکلهای پناهندگی و دمکراتیک جهت گسترش هر چه بیشتر ارتباطات و از بین بردن پراکندگی موجود تشکیل شود و به هماهنگ کردن ارتباطات و روابط کانونها بپردازد ۳- اکثریت نیروهای حاضر در ضرورت دفاع از حقوق پناهندگان مردودی، استرداد و همچنین آوارگان ایرانی در ترکیه، پاکستان و عراق را قبول داشته و به سازماندهی مبارزه مشترک در این جهت معتقد هستند." (بخشی از نمایندگان از طریق تشکیل کمیته های سراسری و بخشی دیگر از طریق کمیته های منطقه ای و ایالتی) "۴- اکثریت نیروهای شرکت کننده بعنوان اولین حرکت مشترک نیروهای

حاضر، طرح آکسیون گسترده و سراسری را در جهت دفاع از منافع و حقوق پناهندگان پیشنهاد دادند. ه اکثریت کامل نیروهای شرکت کننده بر این نظر بودند که با اقدام به انتشار یک بولتن نظری سراسری به بحث های موجود و درک از کار مشترک و نقطه نظرات مطروحه دا میزده شود. ۶- در رابطه با اقدام برای رسیدگی به مسائل فرهنگی و هنری پناهندگان نیز پیشنهاداتی ارائه گردید (کلاسهای زبان فارسی ۰۰۰) ۷- کانونهای پناهندگی و تشکلهای دمکراتیک بر این اعتقاد هستند که زمینه اتحاد این تشکلهای موجود است و برای تحقق این ایده بولتن مباحثات نظری و کمیته ارتباطات کانونها را ایجاد می کنند."

در رابطه با محور دوم تم سمینا ۹ تن از نمایندگان اعلام کردند که از "هرگونه همکاری با جریانات وابسته به رژیم های ارتجاعی سلطنتی و جمهوری اسلامی و نیز جریاناتی که در کناره این دو رژیم عمل دست به کار سرکوب مبارزات دمکراتیک مردم زده اند خودداری می نمایند." بقیه نمایندگان معتقد بودند که "اتحاد عمل، اختلاف و پیشنها دوحده تشکیلاتی و ارائه پلاتفرم را با ارجاع به مجمع عمومی کانون و در چهارچوب مرا مانه و اساسنامه و موویات خود با هر نیرو اعلام خواهند نمود."

"برگزاری سمینا رهای سراسری کانونها و تشکلهای دمکراتیک، در نوع خود اقدامی بسیار مفید و کار ساز در سازماندهی جنبش پناهندگان ایرانی در اروپاست. وبی شک راه دستیابی به همفکری و اقدامات متحد را می کند. سمینار اخیر علیرغم برخی پیشرفتها و نتایج قابل توجهی که به آنها دست یافت، نشان داد که هنوز راه بسیار دشواری در مقابل تشکلهای سراسری پناهندگان ایرانی وجود دارد و هر نوع ساده گرفتن و سرهم بندی عجولانه نتایج غیر مثبتی بیا خواهد آورد. از این رو در شرایط کنونی مانع عمده بر سر راه جنبش پناهندگان نه پراکندگی آن، بلکه سبک کاری و انحرافات است که پیشروان این حرکت با خود حمل می کنند. مخدوش کردن مرزهای تشکل دمکراتیک با یک سازمان سیاسی، نشان دادن جنبش دمکراتیک پناهندگان در جایگاه یک مبارزه جبهه ای، تبدیل کانونها به باشگاههای مبارزه بدلیلونیک فرقه ای و تهی کردن آنها از علت وجودی خود در فعالیت روزمره و یا خالی کردن تشکل توده ای از هر نوع محتوای سیاسی و دمکراتیک و... محتوای واقعی جدلهاست که هر دو سمینا رد گردید. آن بوده است. جای خوشبختی است که سمینا ر علیرغم دسته بندی های موری و فرقه ای فوق بر زمینه های عینی اتحاد بین تشکلهای تا کید نموده و از طسرف

دیگر در توهم و خوشبینی یک سرهم بندی ساده گیر نیفتاده است. چنانکه جمع بندی نهایی سمینار تنها سه بند زیر را به عنوان اقدامات عملی و اصلی ترین نتیجه گرد هم آئی اعلام کرده و تقاضای توافق در مورد سایر محورها را به بحث و ارائه راه حل های عملی حول آنها درآینده، محول کرده است: "الف - اقدام در مورد تشکیل کمیته ارتباطات سراسری ب - اقدام به انتشار یک بولتن نظری سراسری ج - اقدام به برگزاری آکسیون در مورد پناهندگان در شهر بزم."

سمینا ر برای به اجرا درآوردن سه نتیجه نهایی فوق در بین کانونها تقسیم کار کرده و برگزاری سمینا ر بعدی را بر عهده کانون پناهندگان سیاسی ایرانی شهر آخن" که در سه یا چهار رسا آینه باید تشکیل گردد و ا گذار نمود. موفقیت های سمینار دوم کانونها و تشکلهای دمکراتیک ایرانی را مثبت دانسته و پیشرویهای بیشتری را برای سمینا ر سوم آرزو می کنیم. به نوبه خود همچنانکه تا بحال طی مقالات متعدد در پیام کارگزییرا مون سازماندهی پناهندگان به مشکلات و انحرافات موجود پرداخته ایم، باز هم برای یاری رساندن به این جنبش فعالانسه خواهیم کوشید.

ادامه از صفحه ۷

اطلاعیه ای از "شورای ۰۰۰"

از مواد غذایی خود به لاگراهای یا یکوتگر به تسداوم بیکارما کمک رسانند، همچنین با ابراز قدرشناسی از پشتیبانی ما دی و معنوی سازمانهای سیاسی، انجمنها و کانونهای دمکراتیک پناهندگان سیاسی ایرانی و احزاب، انجمنهای اجتماعی - فرهنگی و سازمانهای مذهبی، محافل و شخصیت های مترقی آلمان، همبستگی مبارزاتی درخشان را که در طول ۴ ماه گذشته چهره نمود، می ستاید.

"شورای هماهنگی... بدین وسیله اعلام میکند مبارزات پناهندگان با یرن در آینه نیز تا دستیابی به حقوق اولیه، انسانی و قانونی پناهندگان سیاسی ایالت با یرن ادا نخواهد یافت. از این رو با یکوتگر در لاگراهای رگنزبورگ بحث به نما دستاوری ما در ادا مه بیکارما شکسته نخواهد شد، اما از تمامی اعتما بیون و دیگر پناهندگان لاگراهای یا یکوتگر تقاضا در دیا قطع اعتما ب و با یکوت، خود را جهت پیشبرد هر چه ممما نه تر مبارزه، با درس آموزی از تجارب تسلای کنونی حرکت آماده تر سازند.

"شورای هماهنگی حرکت اعترا ضی پناهندگان ایالت با یرن"



تایلند - بانکوک :

اعتصاب غذای خشک در مقابل  
نمایش زندگی سازمان ملل

در تاریخ ۱۹۸۷/۱۰/۵ دوشنبه ۳۰ نفر از پناهندگان ایرانی مقیم بانکوک که تعدادی از آنها تغذای پناهندگی تا از طرف نمایندگی سازمان ملل رده شده است، در اعتراض به سیاست غیر مسئولانه و غیر انسانی نمایندگی سازمان ملل در بانکوک که عملاً جان تعدادی از پناهندگان ایرانی را به خطر انداخته و آنها را دم تیغ استرداد قرار داده است، دست به اعتصاب غذای خشک و نامحدود زده اند. عده ای از ۳ نفر اعتصابی، کسارت پناهندگی از طرف سازمان ملل دریافت کرده اند، اما بخاطر حمایت و پشتیبانی از دیگر پناهندگان و همچنین بعضی درخواست های منفی، به اعتصاب غذا پیوسته اند. ما قبلاً در پیام کارگزاران ما یک پناهنده ایرانی را از بانکوک (تایلند) درج کرده ایم، که نشان میداد پناهندگان ایرانی در چه وضعیت نامساوی و غیر انسانی در زندانهای تایلند نگهداری میشوند. تردیدی نیست که آسمان در همه کشورهای تحت سلطه و وابسته به امپریالیسم آمریکا که یک منت مرتجعین بر سر نوشت ملتها حاکم شده اند، یک رنگ است!

برلین غربی:

برگزاری روز پناهنده

دوگان پناهندگان سیاسی ایرانی در برلین غربی که چند اگانه فعالیت می کنند، به برای اولین بار در رادام هاکاپهای خود از چهارم تا هفتم پیش حول دفاع از آوارگان ایرانی در ترکیه و پاکستان و دفاع از حقوق پناهندگی و مبارزه علیه استرداد و تقاضای پناهندگی به فوق گردیدند. برنامهمشترکی برای برگزاری روز پناهنده (دوم اکتبر) به اجرا دریا آورد.

این برنامه که شامل موسیقی اصیل ایرانی، رقص فولکلور، موسیقی خلقها و سخنرانی بود، با شرکت بیش از ۴۰ نفر از پناهندگان ساکن برلین با موفقیت برگزار شد. این برنامه با هدف برجسته کردن روز پناهنده، بعنوان روز اعتراض مشترک علیه سیاستهای ضد پناهندگی و دفاع از حقوق پناهندگی، افسای جمهوری اسلامی یعنی عامل اساسی این آوارگی، تشدید مبارزه علیه رد تقاضاهای پناهندگی، و سازماندهی مبارزه عمومی علیه سیاست استرداد دنبال میشود. همکاری در وگانین در موفقیت برنامه نقش مهمی ایفا نمود. امید داریم نمونه همکاری فوق سرآنا زاهی باشد که سایر کارکنانها و تشکلهای د مکراتی یک پناهندگان نیز خراج از مجادلات فرقه ای به آن ادامه دهند.

شب همبستگی باشعرا، نویسندگان  
و هنرمندان متعهد ایرانی

در تاریخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۸۷ جشنی برای همبستگی باشعرا، نویسندگان و هنرمندان متعهد ایرانی در برلین غربی برگزار گردید. نزدیک به ۴۰ نفر در این جشن شرکت کردند. در مراسم این شب مقاله ای تحت عنوان "هنرمند متعهد" خوانده شد. سعید یوسف و بهرام زشاعران مترقی ایران اشعاری را برای حاضرین خواندند و سیروس ملکوتی گیتاریست و آهنگساز قطعاتی نواخت و همچنین قطعاتی از موسیقی اصیل ایرانی توسط نوجوانان جاریانی (مزدک و گاو) نواخته شد. در این جشن هنرمندانی چون "صغر" و "فریار" آثار نقاشی و طرح های خود را به نمایش گذاردند.

این شب همبستگی به ابتکار رود عوت کمیته هماهنگی مشکل زنیروهای سیاسی ذیل برگزار گردید.

- ۱- سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلین غربی - هواداران سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران
- ۲- هواداران سازمان وحدت کمونیستی در اروپا - برلین غربی
- ۳- پیکارگر - برلین غربی
- ۴- جریان انقلاب سوسیالیستی - برلین غربی
- ۵- هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) برلین غربی

سوئد - استکهلم :

## اعتصاب غذا برای حمایت از آوارگان ایرانی در ترکیه و پاکستان

جمعی از پناهندگان ایرانی مستقر در کمپهای پناهندگی "ساند ویکن"، "فاگشتا"، "هالستاها مار"، "سوراها مار" و "اکسلوسوند" با انتشار فراخوانی برای حمایت از آوارگان ایرانی در کشورهای پاکستان، ترکیه و ... و مبارزه برای تامین مطالبات عادلانه آنان دعوت به اعتصاب غذای اعتراضی با اهداف زیر کردند.

الف) افسای هر چه بیشتر ماهیت ارتجاعی و ضد بشری رژیم جمهوری اسلامی، عامل اصلی آوارگی میلیونها ایرانی.

ب) افسای و محکوم نمودن رفتار غیر انسانی دولت های ترکیه، پاکستان و ... در رابطه با آوارگان و پناهندگان ایرانی یعنی برد ستگیری، شکنجه، آزار و استرداد آنان به ایران.

ج) جلب توجه و حمایت افکار آزاد بخواه و آزاد اندیش و مجامع بین المللی طرفدار حقوق بشر در سراسر جهان نسبت به وضعیت پناهندگان و آوارگان ایرانی در ترکیه، پاکستان و عراق.

د) واداشتن سازمانهای حقوقی بین المللی به اجرای تعهدات مصوب کنوانسیون ژنو.

اعتصاب غذا از تاریخ ۹ سپتامبر در محل میدان مرکزی استکهلم آغاز گردید و تا تحقق و تامین خواسته های زیر ادامه یافت :

۱- ملاقات با نماینده صلیب سرخ جهانی در سوئد

۲- ملاقات با نماینده کمیساری عالی پناهندگی در سوئد

۳- انعکاس اخبار مربوط به وضعیت پناهندگان و آوارگان در رادایوتلوویزیون و مطبوعات سوئد.

د) اطلاعیه "شورای تدارک آکسیون حمایت از پناهندگان و آوارگان ایرانی" که به همین مناسبت منتشر شده است ضمن بوشردن زمینه های عینی مهاجرت و آوارگی ایرانیان یعنی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و وضعیت ناهنجار، انتظار، فشار و گرسنگی، دستگیری، و حتی ترور پناهندگان در کشورهای پاکستان، ترکیه و ... و همچنین بی مسئولیتی شعبات پناهندگی سازمان ملل در کشورهای یاد شده است: "اینک ما بعنوان جمعی از پناهندگان ایرانی در سوئد از اعماق دل فریاد برمی آوریم و شما را که طعم تلخ بی پناهی و آوارگی را چشیده اید به یاری می طلبیم. از همه وجدان های آگاه و بیبدار، از شما یاران و همدردان جهت شرکت در این اعتصاب غذای اعتراضی دعوت می کنیم."

اعتصاب غذای پناهندگان کمپهای "ساند ویکن"، "هالستاها مار"، "اکسلوسوند"،

۰۰۰ پس از عروزد در تاریخ ۱۶/۹/۸۷ با

دستیابی به بخشی از خواسته های مند رج در این گزارش پایان پذیرفت.

بازتاب اخبار وضعیت پناهندگان در کشورهای ترکیه، پاکستان و عراق در بعضی از رسانه های ارتباط جمعی

ارسال تلکس از جانب نمایندگی سازمان ملل استکهلم به کشورهای پاکستان، ترکیه و همچنین ژنود ارتباط با خبر آکسیون و اعلام خواسته ها بمنظور تحقق آنها

تماس با بانکوک در ارتباط با آزاد پناهندگان زندانی و پذیرفته شدن آنان از طرف دولت سوئد

تماس با کشورهای دانمارک، هلند، نروژ، سوئد برای تحت فشار قرار دادن دولت ترکیه برای منع بازگرداندن و تحویل پناهندگان به رژیم جمهوری اسلامی

طرح مسائل مربوط به وضعیت پناهندگان ایرانی در سمینار تعیین سیاست پذیرش پناهندگی کنفرانس کشورهای اسکاندیناوی

برخی از هواداران نیروهای سیاسی از جمله رفقا ی هواداران راستگرا در اردن و تحویل پناهندگان به پناهندگان کمپهای مذکور یاری رساندند.

سوئد :

## جا سوسان خمینی در لباس مترجم

داشته‌ام. "وی می‌افزاید که در اواخر کارش از فرستادن مدارک به زبان اصلی خود داری کرد و در عوض خودش ترتیب ترجمه مدارک از زبان اصلی به سوئدی را داده‌است .

پترونیل به‌کرد هائیکه در رابطه با قتل اولاف پالمه در فوریه گذشته دستگیر شد و اشاره نمود و می‌گوید که آنها به یکی از مترجمین پلیس مظنون بودند و می‌گفتند که او اطلاعات کسب شده را به مقامات ترکیه تحویل می‌دهد . به همین خاطر نوبل موضوع را با پلیس در میان می‌گذارد و دادستانانی هم‌گروهی را مأمور تحقیق در این مورد می‌نماید اما گروه مذکور پس از مدتی به این دلیل که

پترونیل وکیل سابق پناهندگان و نماینده تام‌الاختیار دولت سوئد برای مبارزه با تبعیضات در جامعه ، ضمن مصاحبه‌ای با روزنامه "داگسز نی هتر" ۲۱ سپتامبر از وجود جا سوسان در لباس مترجم ز جمله جا سوسان جمهوری اسلامی پرده برداشت . وی می‌گوید : "من در چندین مورد به این مسئله برخورد کرده‌ام که پلیس کشور ما در (کشور) که پناهندگان از آنجا آمد ه‌است ، از آنچه که پناهنده در جریان بازجویی اش با مقامات سوئدی در میان گذاشته‌است کاملاً با خبر بوده‌است . ایس‌ن در مورد دادخواستها و نوشته‌هایی اتفاق افتاده است که من مستقیماً با اداره مهاجرین ارسسال

امکان تشخیص مترجم مورد نظر مشکل است ، به کار خود پایان می‌دهد . وی در ادامه تاکید می‌کند "ما می‌دانیم که جا سوسی از پناهندگان سیاسی صورت می‌گیرد و چند کشور از جمله ایران بخصوص در این مورد فعالیت دارند . این مشکلی است که وجود دارد و این فعالیت ضد اطلاعاتی غیرقانونی است ، یک جریمه معمولاً مجازات سختی را بدنبال دارد ، بهمان اندازه که عملیات جا سوسی نظامی و صنعتی ."

این در حالی است که در اداره مهاجرین سوئد گفته می‌شود که آنها هیچ شک و شبه نسبت به مترجمین مورد استفاده ندارند . در اداره مهاجرین سوئد ۹ مترجم بطور ثابت مشغول بکارند و علاوه بر این تقریباً از ۱۵ مترجم بطور پیمانی و موقت استفاده می‌شود .

\* Dagen nyheter : بهترین روزنامه صبح سوئد

## راهپیمائی و ۱۵ روز اعتصاب غذای پناهندگان ایرانی

آلمان فدرال - بایرن :

اعتصاب غذای اعتراضی را آغاز کردند . پس از مصاحبه مطبوعاتی و رادیویی ، اخبار اعتصاب غذای شافهوف در رادیوها روزنامه‌های محلی متعددی از سوی انجمنها ، کانونها و تشکلهای دمکراتیک ایرانیان و سازمانهای سیاسی ایرانی برای اعتصاب کنندگان فرستاده شد . از جمله سازمان کارگران انقلابی ایران ( راه کارگر ) کمیته خارج کشور و واحد برلین و اعضاء و هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران ( راه کارگر ) فرانکفورت ، کمیته کردستان شهر فرانکفورت و اتحادیه هواداران تئوری مبارزه مسلحانه ... در خارج از کشور جزو حمایت کنندگان بودند . همچنین احزاب ، انجمن ها و شخصیتهای سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی متعددی آلمانی از اعتصابیون حمایت کردند ، از جمله : آگون لوتر ، رناتهامیت از نمایندگان سویال دمکراسی در مجلس بن ، آلن اولمز نماینده حزب سبزها در پارلمان بن و تعداد دزیدای از نمایندگان سویال دمکرات و حزب سبزها در مجلس ایالتی و شهرداریها حزب کمونیست آلمان ، سازمان جوانان حزب کمونیست آلمان ، سازمان جوانان سویال دمکرات ...

علیرغم حمایت بی نظیر افکار عمومی و احزاب مترقی و پوزیتیو آلمانی در ایالت بایرن ، دولت دست راستی بایرن همچنان به بی توجهی و اعمال فشار و پراکنده کردن پناهندگان مبارز ادامه داد . اعتصابیون مبارز و مقاوم پس از ۱۵ روز در ریافت قولهای کتبی از مسئول اول حزب سویال دمکرات در ایالت بایرن مبنی بر پیگیری خواست پناهندگان بدعوت شورای هماهنگی حرکت اعتراضی پناهندگان بایرن ، به اعتصاب غذا و تحریم ۴ ماهه جیره غذائی تحمیلی بایرن دادند .

ساکن خوابگاه "مارک لوتین" از ۱۶ سپتامبر دست به تحریم مواد غذایی زدند . سه خوابگاه در آکسبورگ سه خوابگاه دیگر در اطراف رگنزیورگ ، پناهندگان ساکن "واپدن" ، پناهندگان خوابگاه تاپرلتس پس از راهپیمائی و آگسیون اعتراضی آمادگی خود را برای تحریم جیره تحمیلی غذا اعلام نمودند . شرکت کنندگان در راهپیمائی شهر نورنبرگ به دعوت شورای هماهنگی حرکت اعتراضی پناهندگان ایالت بایرن در قطعنامه بایرنی راهپیمائی اعلام کردند : "علیرغم لزوم پایداری به اصول دمکراسی و ارزشهای انسانی ، علیرغم شرایط مشخص غیرقابل تحمل در خوابگاههای قدیمی و کثیف و علیرغم مابینت تحمیلی جیره غذائی - بی توجهی به خصوصیات فرهنگی و سن پناهندگان از ملیتهای مختلف - با اولیبه ترین حقوق انسانی ، دولت دردان و مسئولین امور همچنان بر سیاست اعمال فشار غیراصولی بر پناهندگان سیاسی ادامه می‌دهند ، ما با نگرانی افکار عمومی مترقی آلمان را برای اعمال فشار بیشتر به مسئولین دولتی زیربند به نیاری می‌طلبیم چرا که بی شماری از پناهندگان پیشین - تحریم جیره ، تحمیلی غذا ، راهپیمائی ، تحصن بخش اعلامیه و ارسال نامه به نخست وزیر بایرن ، به ریاست اداره ، فدرال آلمان ، به کمیساری امور پناهندگان سازمان ملل متحد ، سازمان عفوبین - المللی آلمان ، ... به ۶۰ حزب و سازمان سیاسی و اجتماعی ، گروه ، محفل و شخصیت مترقی آلمانی و ایرانی هیچ راهی برای پناهندگان جز ادامه مبارزه و پیگیری با دست زدن به اعتصاب غذا در خوابگاههای شافهوف نورنبرگ ، و فراشتراسسه کوبورگ ، لاندس هوت و موکندورف باقی نگذاشته است ."

بدین ترتیب ۳۰ نفر از پناهندگان از ۱۵ سپتامبر در کوبورگ ، ۱۵ نفر از ۱۶ سپتامبر در شافهوف و ۱۲ نفر از ۲۳ سپتامبر در لاندس هوت

متقاضیان پناهندگی در ایالت بایرن پس از ۴ ماهه با یکوت جیره تحمیلی غذا و روبروشدن بی توجهی سازمان یافته محافل جامعه بورژوازی آلمان در این ایالت ، برای پیگیری سه خواست خود : ۱- کوتاه شدن مدت بلاتکلیفی و رسیدگی هرچه سریعتر به درخواستهای متقاضیان پناهندگی سیاسی و از سال سریع پاسخ ۲- انتقال از خوابگاهها به منازل مسکونی ۳- تعویض حق انتخاب مواد غذایی با پرداخت پول بجای تحمیل جیره خشک ، روز ۱۵ سپتامبر مصادف با بازگشائی پارلمان ایالتی در شهر نورنبرگ راهپیمائی کردند . راهپیمایان با فریاد شعارهای "خوابگاه نه ، بسته غذائی نه" ، "بچه‌ها را از خوابگاه آزاد کنید" ، "زندگی در خوابگاه جهنم است" ، "مرگ بر جمهوری اسلامی" ، "مرگ بر خمینی" و "ما خواهان پذیرش پناهندگی ۱۴ شیلیائی انقلابی هستیم" خبا بانهای مرکز شهر را طی کردند . در جریان راهپیمائی نمایندگان حزب سویال دمکرات آلمان و حزب سبزها در انجمن شهر نورنبرگ و یک کشیش مترقی سخنرانی کردند . راهپیمائی در میان شعارهای همبستگی نیروهای پیشروی آلمانی و گسترده با دهمبستگی بین المللی" با قرائت قطعنامه بایرن گرفت ، خیبر و راهپیمائی توسط رادیو فرانکن در روزنامه شورنبرگ ناخریشتونگ به آگهی عموم رسانده شد .

در شهرهای دیگر ایالت بایرن نیز آکسیونهای مشابهی انجام گرفت . از جمله در "آکسبورگ" پناهندگان بعد از نظرات اعلام کردند در صورت عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان از اول اکتبر جیره غذائی تحمیلی را تحریم خواهند کرد . در شهر "رگنزیورگ" ۲۶۰ نفر از ۲۸ نفر متقاضی پناهندگی ساکن سه خوابگاه پس از آکسیون اعتراضی به صف تحریم کنندگان جیره غذائی پیوستند . پناهندگان

ادامه از صفحه ۵

## نمیتوان چپ بود...

انقلاب است یا دست کشیدن از فدیت با حزب توده؟ زیرا این دور نمودن تنها یکی نیستند بلکه در اغلب موارد مقابله هم قرار دارند یعنی بسرای اجتناب از افتادن در ورطه فدا انقلاب یا بدحتمال فدا شده‌ای بود. با یک نگاه گذرا به مواضع این حزب نسبت به گذشته فدا انقلابی اش می‌توان پاسخ سوال را داشت که از نظر حزب توده غلطیدن در منجلاب مسئله عمده نیست بلکه فدا شده‌ای نبودن مسئله اصلی است. این پاسخ روشن را خود حزب خیلی پیش از این‌ها و در رابطه با رژیم اسلامی داده است. و آن هنگامی بود که نوبت به سرکوب حزب توده رسید. تا پیش از این زمان رژیم اسلامی یک رژیم مردمی و انقلابی ارزیابی می‌شد، ولی به محض اینکه لیه سا طور جلادان آن گزین حزب را هم لمس کرد تنبیر ما هیت داده و به رژیم می‌فاشیستی و فدا انقلابی مبدل شد. بعبارت دیگر ما هیت این رژیم با اذ زروی اعمال و سیاستهای آن در برابر طبقه کارگر، انقلاب، و دموکراسی تعیین نمی‌کردید بلکه معیار رستخس حزب توده بود! بدین ترتیب برای اینکه تشخیص بدهیم اصولا این رژیم "منجلاب" و "ورطه" هست یا نه باید مقدمات ببینیم با حزب توده چه رفتاری می‌کند؟

علیرغم اینکه دیدیم بررسی فاکت‌ها خلاف نظرو منظور حزب گواهی می‌دهند و فدیت با این حزب نه تنها دلیلی بر دروردن از اهداف انقلاب نبوده بلکه خود یک محصول تبعی پیروی خط مشی انقلابی است، ولی با اینهمه با بد روشن کنیم چرا این حزب در چنین شاکه‌ای بصری بر دوبا اتکا به کدام پشتوانه چنین ادعای بزرگی می‌کنند. واقعیت آنست که حزب توده در یک "سوء تفاهم" بزرگ قرار دارد. گمان حزب توده بر اینست که اگر خود را به درگاه اردوگاه سوسیالیستی بیا و بیزداز ابتدا به هر بیماری در مان خواهد بود و با عضویت در این خانواده کارت بیمه ما دام العمر دریافت خواهد کرد. و از همه مضحک تر اینکه فدیت با حزب، به معنای فدیت با اردوگاه و انمود می‌شود. در مورد این نکته همین قدر کافی است به تجربه چند سال اخیر جنبش و بویژه مواضع راه کارگر نظر بیندازیم که علی‌رغم مبارزات پیگیرانسه اش علیه رژیمس حزب توده‌ای ذره‌ای به حقانیت سوسیالیسم و دیکتاتور ی پرولتاریا تردید نکرد و دقیقا به موازات تشدید مبارزه با اپورتونیسیم راست بر مواضع لنینی دفاع از اردوگسگاه سوسیالیستی استوار تر شده و در همین مورد هم تفاهت اساسی میان دفاع خود از اردوگاه و محتوای سیاسی دفاع نوع حزب توده‌ای را روشن تر ساخت و نشان داد که شعده راه کارگر به انترنا سئونالیسم پرولتری و دفاع از اردوگاه سوسیالیستی بر مبنای دفاع مشترک و تعهد مشترک به دیکتاتور ی پرولتاریاست و میزان دوری و نزدیکی ما بسا اجزای کمونیست در جنبش جهانی با میسزان

با بیندی آنها به همین اصل تنظیم و تعیین می شود. و این همان اصل را هنما ثبات که سیاست عملی راه کارگر را در بر خورد با مسائل انقلاب و طبقه کارگر ایران تا کنون تعیین کرده است. حال با توجه به این معیار می‌توان در یافتست تفاوت حمایت ما از اردوگاه با حمایت حزب توده که حتی از نام دیکتاتور ی پرولتاریا وحشت دار دتا چه میزان است. ثانیاً، و از همه مستدل تر، در عمل ثابت گردید آویختن به اردوگاه سوسیالیست هیچ ضمانتی برای مضمون ماندن از سموم تا اپورتونیسیتی و سرنگون شدن در با تلاق فدا انقلاب ایجاد نمی‌کند. و چنین حزبی فقط لکه سنگی بردا من جنبش جهانی کمونیستی خواهد بود. ثالثاً این ادعای پوسیده حزب توده که مخالفت با حزب توده سرانجام به مقابله با اردوگاه می‌انجامد حتی در میان طرفداران او در اردوگاه هواخواه ندارد. بنا بر این می‌ماند این سوال که حزب توده چه کسی را میخواهد از ایدر کند؟ چه کسی قرار است از این هشدار برترسد؟ این نقطه ابهام در سراسر مقاله "نمی‌توان فدا شده‌ای بود" "چپ" وجود دارد. طبق معمول حزب مخاطب اش را در سایه قرار داده و معلوم نمی‌کند طرف "مبارزه ایدئولوژیک" اش چه کسانی هستند. مقاله در انتهای خود از نیروهای "چپ مومن" و "مادق" نام می‌برد و به آنها هشدار میدهد که بنا دایه "ورطه" فدا شده‌ای بودن بغلتند و با آن بد تو، غلتانده شوند! البته در این ناگفتن هم عمدی وجود دارد و حزب برای هویت ندادن و بزرگ نکردن و حتی برای آب ریختن بر سر آتش که در طیف توده‌ای برپا شده است چنین سخن می‌گوید.

نفرت از حزب توده و تلاش برای خروج از ورطه ای که نزدیک به هفت سال بخش بزرگی از چپ را در منجلاب خود فرو بردا کنون ابعاد گسترده‌ای بخود گرفته و توده وسیعی از نیروهای سازمان اکثریت را برای تصفیه حساب با نشی خیانت کارانسه و اپورتونیسیتی به تکان آورده است. این آتشی است که هر دم شعله ورتر می‌شود و هستی حزب توده و بنیادهای پوسیده اپورتونیسیتی اش را تهدید می‌کند. حزب توده برای جلوگیری از شعله ور شدن این آتش و روند بیداری در صفوف این سازمان هیچ سلاح کارایندی ندارد. و در واقع اپورتونیسیم در برابر پیش روی مشی انقلابی خلع شده است. به همین دلیل است که بجای بحث ایدئولوژیک بسه شیوه‌های سرکوبگرانه و شهید آ میزوری می‌آورد و روی نقطه‌ای دست می‌گذارد که بواسطه پرورش چند ساله این نیروها در مکتب حزب توده محل بسروز تردیدهای ایدئولوژیک جدی است، یعنی همان چماق فدیت با اردوگاه. این تنها نقطه اتکالی است که حزب یکمک آن می‌خواهد خود را از زیر ضرب خارج کند. بدیهی است اگر نیروهای معترض در ردین اکثریت در اینجا از خود نقطه ضعف نشان دهند، نخواهند توانست خود را از چنگال تار عنکبوتی حزب خلاص کنند، حتی اگر در چارچوب تشکیلاتسی دیگری قرار داشته باشند. فراموش نکنیم "حزب

توده بیش از هر چیز و بیش از هر چیز در برنا منسه و تاکتیک آن معنا دارد". حزب توده امروز می‌خواهد از آموزش‌ها شکی که به اکثریت طی چند سال گذشته آموخته است بهره برداری کند. بنا بر این اگر با این آموزش‌ها و مبادی و اصول اپورتونیسیتی آن در تما می‌عرصه‌ها تصفیه حساب نشود، حتی در فقدان حزب توده می‌توان توده‌ای باقی ماند. در رابطه با مسائل انترنا سئونالیستی که حزب توده گمان می‌کند در آنجا نقطه قوتی دارد، هما نظور که مکرر از طرف ما بیان شده و تاریخ واقعی اجزای انقلابی مویب آنست، با بدیخا طردا شدت خصلت انقلابی یک حزب سیاسی نه از زروی روابط بین المللی آن بلکه از زروی براتیک واقعی آن در مبارزه طبقاتی درون کشور خویش مشخص و تعیین می‌گردد. بنا بر این، این استدلال که مخالفت با حزب توده و اپورتونیسیت دانستن آن به معنای اپورتونیسیت قلمداد کردن کلیه اجزای اردوگاه سوسیالیست می‌باشد، حرفی بی‌پایه و شیا دانه است.

همانگونه که در ابتدای مقاله گفته شد، هدف حزب توده از اطلاق مفهوم "فدا شده‌ای" بسه تما می‌مخالفین خود مسخ محتوای خط مشی انقلابی و همسان قرار دادن آنها با جریانات منحرفی است که بدلیل دیگریا حزب توده مخالفتند. بنا بر این برای روشن کردن مضمون "فدیت" مشی انقلابی با حزب توده با بدیا دآ ورشده‌این مخالفت بر مبنای مبارزه با اپورتونیسیم و مشی رفرمیستی حزب توده قرار دایه همین خاطر با بدیفر ممول مزورانه "نمی‌توان فدا شده‌ای بود و چپ" را بدین گونه اصلاح کنیم که: نمی‌توان "چپ" بود و فدا شده‌ای نبود. ■

ادامه از صفحه ۳

## روش فعالیت در کانونهای...

مستمر توده‌ای است. در حد قابل دوا اعتماد اتحادیه فاقدمضمون کار نیست، کار تبلیغ و ترویج، جمع آوری نیرو، تدارک و سازماندهی وصل کردن و گره زدن گروههای مختلف کارگری به یکدیگر، آموزش و پرورش نیروهای جدید، جلب نیروهای حاشیه‌ای و به میدان نیامده، تحقیق و مطالعه روی شعارها و مطالبات، بحث و بررسی اشکالات و نقطه ضعفها، یافتن اشکال و ابتکارات جدید فعالیت، ارتقاء سبک کارور رهبری، همه اجزاء مهم یک فعالیت به هم پیوسته است که در یک نقطه معین بصورت یک اعتبار نقشه مند بسا شکل دیگری از مقام و مت کارگری خود را متجلی می‌سازد. ولی سبک کار ما در کانونها یا ابدایین روند را طی نمی‌کنند با شکل بسیار ناقص، سبک جانیه و سرسری به مورد اجرا در می‌آید. بنا بر این است که بسیج‌های ما حتی هنگام طرح مبرمترین شعارها با موفقیت همراه نیست، و توده پنهانندگان با آکسیون‌های ما بیگانه هستند و به مثابه حرکتی توطئه‌گرانه و مسئله‌ای مربوط بسه یک گروه خاصی نمی‌گردند. ■

## آلمان فدرال: جنبش طبقه کارگر علیه بیکاری

برگيرنده بخش قابل ملاحظه‌ای از طبقه کارگر می‌باشند.

بحران صنایع فوق از آغاز دهه هشتاد وارد مرحله جدیدی شده است که مشخصه اصلی آن، بیکاری ساری وسیع کارگران و خواباندن ویا برچیدن ظرفیتهای تولیدی می‌باشد. اما رتبه‌های معدن - چنان که آلمان فدرال بخوبی ابعاد بیکاری سازی فزاینده‌ای را که معدنچیان با آن روبرو هستند نشان می‌دهد. طبق این آمار از سال ۱۹۷۰ به این سوباکا هن تولید سالانه ذغال سنگ به مقدار ۳۰ میلیون تن، ۱/۳ معدنچیان بیکار شده اند و در طی همین دوره مصرف داخلی ذغال سنگ به مقدار ۳۷٪ کاهش یافته است. مطابق همین آمار در طی هفتاد سال آینده با کاهش تولید ذغال سنگ به مقدار ۲۵ تا ۳۰ میلیون تن، حداقل ۶۰۰۰۰۰ کارگر معادن ذغال سنگ و ۸۰۰۰۰۰ کارگر صنایع وابسته به آن بیکار خواهند شد. بطور خلاصه در طی دودهمه بیش از ۳۰۰ هزار کارگر معدنچی و صنایع وابسته به آن بیکار شده و خواهند شد. اما رهای مربوط به صنایع فولاد نیز وضعیت مشابهی را نشان می‌دهند. مثلاً در طی نیمه دوم دهه ۷۰ حدود ۱۷۰ هزار کارگر فولاد سازی کار خود را از دست داده و با این روند با راهای نوسانات همچنان ادامه داده و رتبه‌های که برای سال جاری و اوایل سال جدید میلادی، بیکار شدن حداقل ۵۰ هزار کارگر فولاد سازی پیش بینی شده است. ابعاد فزاینده بیکاری در صنایع فوق در طی سالهای هشتادگانه ناشی از کاهش مصرف ذغال سنگ و استفاده وسیع تر از منابع انرژی دیگر، کاهش عمومی مصرف فولاد و استفاده از مواد دیگر به جای آن و نیز بیکاری شیوه‌های تولیدی و ماشین آلات پیشرفته در هر دو رشته می‌باشد که در متن بحران عمومی سرمایه‌داری و فقدان اشتغال جایگزین، کارگران را در مقابل خطر بیکاری دائمی قرار داده است.

در حالیکه شرکت‌های بزرگ تولید ذغال سنگ و فولاد دولت آلمان فدرال، سیاست برچیدن بخش بزرگی از ظرفیتهای تولیدی و مدرنیزه کردن بقیه را در پیش گرفته‌اند، در بیشتر ابعاد این سیاست بعبه مقاومت اتحادیه‌های کارگری و در مراکز اصلی تولید ذغال سنگ و فولاد با مقاومت ساکنین این مناطق روبرو هستند. این مقاومت هم‌جانبه در ماههای اخیراً نچنان گسترده شده است که دولت آلمان اکنون سیاست اظهار "همدردی" و دادن وعده و وعید را در پیش گرفته است بدون اینکه پاسخی روشنی به هیچ یک از درخواستهای کارگران داده باشد. در حالیکه وزیر اقتصاد آلمان، کارگران متضرر را متهم به "تفهمیدن" اظهاراتش در برابر آنها شده بودن صنایع فولاد و ذغال سنگ کرده و حتی چنین اظهاراتی را منکر شده است، وزیر کار را این کشور که می‌بایست نقش اصلی را در دفع الوقت و اظهار همدردیهای بدون مالیات با کارگران بازی کند، به سختی می‌تواند در جمع کارگران با "کنسرت سوت"

و اعتراضات آنها مقابله کرده و اظهارات عوام - فربیا نه خود را به پایان برساند.

اما اتحادیه‌های کارگری برای وضعیت فوق پاسخ روشنی دارند. فدراسیون سراسری اتحادیه‌های کارگری آلمان از پانزده سال، کم‌کارزار تبلیغاتی بزرگی را شروع خواهد کرد که طی آن خواسته‌های اساسی آن برای مقابله با بیکاری سازی - که منحصراً به صنایع سنگین نیست - مطرح می‌شوند. از جمله این خواسته‌ها، کاهش ساعات کار هفتگی، استفاده از امکانات تولیدی صنایع در معرض نابودی برای تنفیص ساخت اقتصادی و در نتیجه ایجاد امکانات جدید کار اختصاصی دادن سالانه ۲۰ میلیارد مارک از سوی دولت برای ایجاد کار می‌باشد. اتحادیه فلزکاران آلمان نیز در برنانه خود، مخالفت با سیاستهای بازار مشترک اروپا در باره کاهش ظرفیتهای تولیدی در صنایع فولاد، قرار دادن سیاست ایجاد کار در مرکز سیاست تنفیص ساخت اقتصادی، ایجاد موسساتی با هدف حفظ و ایجاد کار (با سرمایه شرکت‌های بزرگ و دولت)، منوط کردن کلیه بیکاری‌ها به توافقات سه‌جانبه کارگران، دولت و سرمایه‌داران، ایجاد کمیسیون برای تریبنازه‌ریزی در مورد صنایع فولاد با شرکت اتحادیه‌ها، ملی کردن این صنایع و ایجاد یک شرکت دولتی فولاد، مشروط کردن کمکهای مالی دولت به صنایع فولاد به ایجاد اشتغال جایگزین از سوی این صنایع، تقلیل کار هفتگی به ۳۵ ساعت کار بدون کاهش حقوق و پانزده آورتن سن بازنشستگی را پیشنها می‌کند. رهبران اتحادیه در سخنرانی خود در تظاهرات ۱۵ سپتامبر در شهرهای شمردن خواسته‌های کارگران، رودررویی آتی دولت با کارگران مبارزه‌جو، جنبش تمام‌عیار اجتماعات در مراکز صنایع فولاد و اتحادیه‌های کارگری آنها را در صورت برآورده نشدن این خواسته‌ها یادآور می‌کند. براساسی نیز کارگران صنایع فلزی و اتحادیه فلزکاران آلمان رزمنده‌ترین و پیشروترین بخش کارگران را تشکیل می‌دهند. این بخش از طبقه کارگر در طول ۵ سال حکومت هلموت کهل، پرچمدار خاسته‌های پیشرو و در رأس آنها ۳۵ ساعت کار هفتگی بوده است و اکنون با طرح دوشماره‌ای ۳۵ ساعت کار هفتگی و ایجاد اشتغال جایگزین، خود را برای دور جدیدی از مبارزه آماده می‌کند. این دوشماره‌ها در شک‌نه فقط در مبارزه کارگران ذغال سنگ، فولاد و کشتی سازی، بلکه در مبارزات آتی طبقه کارگر اروپا اهمیت بسیاری کسب خواهد کرد. زیرا بیان فشرده پاسخ طبقه کارگر به کلیه راه‌حلهای است که سرمایه‌داران و دولت برای حل بحران ارائه می‌دهند بحرانیه که در عین حال در بحبوحه یک انقلاب عظیم فنی و تکنولوژیک صورت می‌گیرد و خود همه تفاهای ذاتی نظام سرمایه‌داری را عریان می‌کند. این نظام که علیرغم در اختیار داشتن امکانات تولیدی، مادی و تکنولوژی پیشرفته، برای حفظ سودآوری اقدام به بیکاری

توده‌ای و توده‌گیر کردن فقر و فلاکت نسبی کارگران از یک سو و ادامه‌پذیری ارزش‌افزایی از طریق ساعات کار طولانی می‌کند، اکنون در مقابل اعتراض کارگری قرار دارد که حق کار برای همه از طریق کاهش ساعات و ایجاد اشتغال جایگزین را می‌طلبند و برای آن می‌رزمند و بدین ترتیب از حقوق زندگی و استفاده نمودن از نعمات مادی که خود تولید می‌کنند دفاع می‌کنند. جنبش ۲۵ ساعت کار هفتگی که اکنون با شعار ایجاد اشتغال جایگزین همراه شده است راه‌حلی است که طبقه در مرحله کنونی در برابر راه‌حل سرمایه‌داران - که چیزی جز بیکاری ساری مداوم جهت حفظ نرخ سود نمی‌باشد - قرار می‌دهد.

## دو خبر از اشتغال کارخانه

### در آلمان فدرال

۴۰۰ نفر از کارگران کارخانه ابزار سازی پروما در شهر اشوگر، اکنون نزدیک به یک ماه است که برای حفظ مشاغل خود کارخانه را اشتغال کرده و ضمن خلع بد عملی از مدیر کارخانه و سپردن اداره کارخانه به شورائی کارگران و اتحادیه فلزکاران، با کمزردن گروه‌های مراقبت در کارخانه و کشیک شبانه، از تعطیلی کارخانه - که هنوز مشغول تولید است - و حمل ماشین آلات آن جلوگیری می‌کنند. این اقدام کارگران با حمایت وسیع اهالی منطقه روبرو شده و هنوز مشخص نیست که ما حیوان کارخانه به چه عملی متقابلی دست خواهند زد. مثلاً اقدام کارگران فوق، در شهر اولسار در کارخانه اشپنکس توسط ۱۷۰ کارگر این کارخانه به هدف حفظ مشاغل خود صورت گرفته و از حمایت اهالی شهر نیز برخوردار است. اشتغال کارخانه اشپنکس اکنون وارد هفتمین هفته خود شده است.

تصمیم به اشتغال کارخانه توسط کارگران کارخانه‌های فوق که اکثریت بزرگ آنها عضو اتحادیه هستند، پس از ماه‌ها درگیری با مدیریت و صاحبان کارخانه گرفته شده و نتیجه برداشت کارگران از غیر بودن شیوه‌های دیگر مبارزه بود. این گونه اقدامات اگرچه در سطح کارخانه کوچک اهمیت زیادی ندارد، اما نشان‌دهنده اراده کارگران برای حفظ اشتغال و مبارزه‌جویی آنهاست. در سالهای گذشته تا کتیک اشتغال کارخانه در آلمان فدرال در جریان اعتراضات و آخر سال ۱۹۸۳ توسط کارگران کشتی‌سازی بیکار گرفته شده و شوک بزرگی به سرمایه‌داران، دولت و احزاب رفرمیست وارد کرد. اما پس از آن، این اولین بار است که موارد تا کتیک اشتغال کارخانه توسط کارگران نگذارش می‌شود. بدون تردید در مبارزات آتی که کارگران صنایع فلزی آلمان برای حفظ اشتغال و مبارزه با بیکاری توده‌ای در پیش دارند و در پیگیری تحمیل خواسته ۳۵ ساعت کار هفتگی و ایجاد اشتغال به سرمایه‌داران از تجربیات اشتغال دو کارخانه فوق خواهند آموخت.

## هفته مخالفت با ...

### فرانسه - پاریس :

در اعتراض به هشتمین سالگرد جنگ شوم ایران و عراق روز شنبه ۲۶ سپتامبر کمیته ضد جنگ ایران و عراق، شب شعرو سخنرانی در پاریس ترتیب داد. در این برنامه شخصیت ها و هنرمندان متعهد ایرانی، رضا مرزبان، نعمت آرم، پرویز وصی، حسن حسام، غفار حسینی - سحر بتول عزیزپور دعوت بعمل آمد. برنامه با سخنرانی آقای رضا مرزبان آغاز شد و با شعرخوانی دیگر هنرمندان تاپاسی از شب داد ماهیافت، استقبال تعداد کثیری از ایرانیان مقیم پاریس از این مراسم و نمونه های مشابه دیگری از این برنامه ها و آکسیونها ضد جنگ در سراسر اروپا که از طرف کانن ها و انجمن های دموکراتیک و اتحاد عمل سازمان های چپ و دمکرات سازماندهی شده است، حرکات هماهنگ و اعتراضی عمومی ایرانیان ترقیخواه خارج از کشور علیه این جنگ ارتجاعی و فلاتک زارانشان می دهد. بی شک این اعتراضات و افشاگریها افکار عمومی را تحت تاثیر قرار می دهد و فشار معینی را بر سیاست های جنگ طلبانه رژیم جمهوری اسلامی وارد آورد.



### برلین غربی :

تظاهرات علیه جنگ ایران و عراق روز ۲۶ سپتامبر ۱۹۸۷ به دعوت کمیته هماهنگی نیروهای مترقی ایرانی متشکل از : سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال برلین غربی - هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، هواداران سازمان وحدت کمونیستی در اروپا - برلین غربی، بیکارگر - برلین غربی، جریان انقلاب سوسیالیستی - برلین غربی و هواداران سازمان ما برگزار گردید.

تظاهرات از یکی از میدانهای مرکزی شهر آغاز شد و از خیابانهای پرجمعیت عبور کرد و اعلامیه راهپیمایی در مناطق پرجمعیت در مسیر حرکت چندین بار خوانده شد. بیش از ۳۰ نفر در این تظاهرات شرکت کردند.

### تحصن برای حمایت از زندانیان سیاسی ایران

سوئد - استکهلم  
بدعوت " کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران " بتاريخ ۸/۹/۸۷ عده ای از زندانیان مبارزان خستنا مرکزی را دیوا استکهلم به منظور اعتراض بر علیه جمهوری اسلامی و حمایت از خواسته های بحق زندانیان قهرمان سیاسی با خواسته های :  
۱- اعزام بک هیات بررسی (حقوقی - پزشکی) از طرف سازمانهای بین المللی به ایران جهت باز دیدار زندانیان و رسیدگی به وضعیت زندانیان  
۲- محکوم نمودن رژیم زسوی نماینده سوئد در سازمان ملل  
۳- شکست سیاست با یکوت مطبوعات در ارتباط با مسائل زندانیان سیاسی ایران، دست به تحصن زدند.

متن قطعنامه در همان روز چندین مرتبه از رادیو پخش گردید و همچنین خبر آنجا مابین تحصن در دوروزنا مه پرتیرا سوئد با زتاب یافت. متخصصین با دست یافتن به بخشی از خواسته های خود پس از ۳ ساعت به تحصن خویش خاتمه دادند.

## اعتصاب غذا برای مخالفت با جنگ

### آلمان فدرال - وستروالد کرازیو

۲۰ نفر از زندانیان سیاسی ایرانی مقیم وستروالد کرازیو برای ابرام مخالفت با جنگ جهانی ایران و عراق، افشای جنایات رژیم جمهوری اسلامی و بسیج هر چه بیشتر افکار عمومی علیه دادگاه جنگ از روز ۲۲ تا ۲۶ سپتامبر در میدان "کرازاو نائسر" شهر "مونتایو" مرکز کرازیو وستروالد دست به تحصن و اعتصاب غذا زدند.

فردای روز اعتصاب غذا، رسانه های عمومی خبر اعتصاب را منعکس کردند و مورد توجه بسیار اعتصاب کنندگان آمدند. چهار روز تمام روزنامه های محلی بطور تفصیلی راجع به اعتصاب غذا نوشته و اهداف آن را ذکر کردند. ۲۵ نفر از زندانیان

مترقی مخالف جنگ طی ما اعتراضی علیه حمایت دولت آلمان از رژیم جمهوری اسلامی را امضا کردند. کانونها و سازمانهای زیر این حرکت حمایت کردند :

- ۱- انجمن ایرانیان - مابین و حومه
- ۲- انجمن ایرانیان کوبلنز و حومه
- ۳- انجمن ایرانیان - زیگن
- ۴- هواداران سازمان فدائیان خلق ایران - واحد فرانکفورت
- ۵- کانن دمکراتیک ایرانیان مقیم شهر دوشانت
- ۶- هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) هسته چهارم پتیر (بن)

## اطلاعیه

بیش در سراسر سقوط قرار داده است. در چنین شرایطی وظیفه همه نیروهای مترقی و انقلابی است که با احساس مسئولیت بیشتر حرکت های اعتراضی مشترکی برای خاتمه جنگ سازمان دهند. هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در کپنهاک به همین مناسبت در جلوی سفارت جمهوری اسلامی آکسیون ضد جنگ برگزار میکنند. از عموم هم میهنان مبارزان دعوت بعمل می آید که در این حرکت اعتراضی شرکت نمایند.

زمان : جمعه ساعت ۴ بعد از ظهر ۲۵ سپتامبر ۱۹۸۷  
مکان : جلوی سفارت جمهوری اسلامی در کپنهاک

هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - داسارک، ۲۰ سپتامبر ۸۷

هم میهنان مبارزان و نیروهای مترقی و انقلابی! رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی ایران در ماه های پایانی هفتمین سال جنگ ارتجاعی ایران و عراق با سیاستهای ماجراجویانه و جنگ طلبانه خودپای کشورهای امپریالیستی را به منطقه باز کرده و بیدینوسله جنگ را وارد فاجعه زدیدگی ساخت. در نتیجه منازعات ارتجاعی دور رژیم جنایتکار خمینی و سعودی، امکان گسترش جنگ هفت ساله ایران و عراق به سطح منطقه افزایش یافته و اکنون بیش از هر زمان دیگر به یک خطر جدی تبدیل شده است.

فشار افکار عمومی جهان و سازمانهای بین المللی برای خاتمه جنگ، کشمکشهای درونی حاکمیت فئودال و گسترش بحران اقتصادی، در آغاز هشتمین سال جنگ، رژیم جمهوری اسلامی را بیش از

# کشازمکه پرده دیگری از جنایات جمهوری اسلامی

در میان گرد و غبار دعوا میان رژیم جمهوری اسلامی و عربستان سعودی بر سر کشتار زائرین مکه هر روز حقایق تازه تری رو می شود . و آنچه در این جنگ تبلیغاتی فاش می گردد ماهیت تبہکارانه جمهوری اسلامی است .

حقایق موجود نشان می دهد که عربستان سعودی پیش از راهپیمایی سر پرست حجاج ایرانی و دیگر مقامات رسمی رژیم به جد اخطار کرده بود که مراسم راهپیمایی اجرا نشود و از طریق کانال های واسط هم تاکید کرده بود که مانع از انجام آن خواهد شد . کانال واسط این اخطار بطوری که چند روز بعد شخصا در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام نمود " تورگورت اوزال نخست وزیر ترکیه بوده است ، اوزال فاش می سازد بیست و چهار ساعت قبل از برگزاری راهپیمایی به مقامات ارشد جمهوری اسلامی اطلاع داده است که عربستان مانع از انجام آن خواهد شد و پیشنهاد می کند این راهپیمایی انجام نگیرد . بدین ترتیب علیرغم یاوه سرایی های خینی ، عربستان سعودی تصمیم خویشتن را

دیر بر ممانعت از برگزاری مراسم راهپیمایی به طریق رسمی و غیر رسمی علنا اعلام کرده بود . اما گردانندگان مراسم به فریب واغشوی زائرین می پردازند و می گویند شدت عمل پلیس حد اکثر شکستن چند سرو دست است : " به مسئولین انتظامات توصیه شده بود که مدارا هم بکنند اگر چه ممکن است پلیس هم از خود خشونت نشان دهد ولی آنها توجیه شده بودند که جواب این خشونت ها ، خشونت نیست . چون ارزیابی که از این خشونت ها می شد این بود که حد اکثر همانند سال های گذشته چند دست و پا یا سرشکسته داشته باشد . " (کیهان ۲ / ۶ / ۶۶) فخرالدین حجازی اما بهتر از دیگران نقشه رژیم را بر ملا می کند ، او گزارش می دهد که " پیشاپیش این جریان پرشور ، جانبا زانی که دست و پا و چشم در راه جنگ با کفر و نفاق باخته بودند بعنوان پرچم ستمدیدی امتی انقلابی بر روی چرخ های دستی به حرکت آمدند و پس از آن موجی از زنان مومن و عفیف در حجاب سیاه عفاف و ایمان براه افتادند . مادران چهار شهید داده و همسر از دست داده . . .

(کیهان ۲۶ / ۵ / ۶۶) گزارش جامع تلفات مکه تعداد کشته های ایرانی را ۳۲۰ نفر اعلام می کند که از این عده ۲۱۰ نفر زن بوده اند و اغلب مرد ها هم از معلولین صرف نظر از اینکه منبع توجیهی برای جنایت سعودی هاد و کشتار انسان هایی که بازچه رژیم قتها شده اند وجود ندارد اما سیاست جنایت کارانه رژیم جمهوری اسلامی که هیچ فرصتی را و هیچ وسیله ای را برای تحقق هدف های ارتجاعی خود بدون استفاده نمی گذارد قابل تعمق است . آنها در حالیکه میدانستند پلیس سعودی قصد خشونت دارد و خشونت پلیس سعودی و زبان همگان است باز هم زقرانیان جنگ اتجلی بهو میگیرند و تن غلیل و فلج آنان را سپر ضرب و شتم مزدوران سعودی قرار می دهند تا از اجساد آنان خبوراک تبلیغاتی فراهم آورند . تا با برانگیختن احساسات مذهبی مردم علیه با اصطلاح کفار ذهن توده ها را متوجه تضاد های واهی کنند و نیروی آنها را برای شعله ورت کردن آتش جنگ مورد استفاده قرار دهند .

مقن کا مل در سبک نوشتن نپوشا فردوسی

## "هرگز نمیرد آنکه دلش زنده باشد به عشقش" شیت است در ریختن عالم دوام ما

تذکار : اگرین در این نبرد کوچک با آتش ، از یاد رآمد دست در ارم رقابیم و همه د یگران بد اند که هنگام نوشتن این یاد داشت چقدر از زندگی سرشار بود ما ، به تا ز ناب لطفی گوش می دادم ، شرابی گس می نوشیدم ، هر از گاهی گلپای لطیف و زیبای روی میز تحریر مرا می پوئیدم ، یکسره به تصویر زنی که بسه او عاشق و مد لبذ بیرونا زین ترا آتش ، تار لطفی ، شراب گس و گل است ، نگاه میکردم و اکنون نیز "عاشقانه" بی از سلطنا نپور خواهم خواند ، گریزی به جیان حافظ خواهیم زد ، بعد نامه ای برای او . . . و نامه هایی برای د و فرزانها زین د یگر که به آنها عاشق هستم ، زویا و بیام ، خواهم نوشت ، بیبی چاق خواهم کرد ، امشب حتما یا بخشی از " نان آن سالها "ی های نیریش بل یا قصه بی از مرتضی میرآفتابی را خواهم خواند . . . در تمام این مدت به مادرم و خان ناهید فکر کرده ام و میدم آنکه در روز آینه همه آنها فکر خواهم کرد - امید وارم که مراد رک کنند . رفیقم . . . مدعی است که بودن من در بر بخش ترا زیود نماست ! به او گفتم دست نازنین اگر همه ی عشاق چنین می اندیشیدند و استدلال می کردند ، قرنهای پیش زندگی و بهنارزه تعطیل می گشت !

. . . یک لحظه فراموش نخواهم کرد که زندگی چقدر زیباست اگر چه در ایران ، آفریقای جنوبی ، کردستان ، فلسطین ، شیلی ، ال سالواد و رو . . . رود های خون جاری است .

بارد یگر بر این اعتقاد پای می فشارم که اگر ما هنرمندان اند انیم ، در گزینسر زیستن و عشق ورزیدن را کامل فراموش نخواهیم گرفت و این با شهدات به فهمم مذهبی در تضاد کامل است .

به عنوان اعتراض به حضور خاندانهای جلا در سا زمان ملل متحد ، و نیز اعتراض به سیاستهای خارجی اولترا راست دولت ریگان ، و همچنین اعتراض به عملکرد زهر آلود جوجه فاشیستهای شاه الهی که همچنان در ضدیت با خلقهای ستمدیده های ایران پای می فشارند ، خود را به آتش می کشم .

به استقبال مرگ نمی شتایم ، چرا که عاشق مرگ نیستم و به زندگی " در سر برای باقی " هم اعتقاد ندارم . اما به ناگزیر در راه مرگ گام برمی دارم چون عاشق زندگی ام ، و نیز مانند هر جهان سومی مسئول د یگر ، نیک می دانم که : " آنکس که جان نداد به جانان نمی رسد " .

د روح گفته ام اگر بگویم که نمی ترسم و نیز اگر مدعی شوم که هد فمشهدات است . اما اگر ضرورتش ایجاب کند مرگ را می پذیرم و آنوقت شاید برای یک لمحده تاثیروری داشته باشم ، خون من رنگین ترا ز خون خلق کرد ، یا زنان حالمه بی که اعدا چشده اند و یاد خترانی که به شنیع ترین اشکال شکنجه می گردند ( و یا حتی آن زنانی که در پستوی آلمان بیمار فرهنگ مذهبی مرد ایرانی اسیر هستند ) ، نیست ، اگر چه شجاعت ، ایمان و بزرگی آنها را ندانم و بطریق اولی به انداز آنها عاشق نیستم . تنها سرمایه من در زندگی بی حاصلم ، صد اقم بوده است و تنها د خوشی ام این بوده است که زنده به آن بودم که آرام و قرار نداشتم . همین .

مرگ بر ما میریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیزم آمریکا مرگ برنظام ولایت فقیه نابود باد بقایای خرد ستمشاهی

د رود به زندگی  
د رود به آزادی  
د رود به خلقهای مبارز و زور نجدید جهان سوم  
د رود به ایران و همه خلقهای ستمکش آن  
د رود به نیروهای انقلابی و چپ ایران و جهان  
د رود به کمونیزم  
پیش بسوی تشکیل حزب ود ولت عشق

پاینده یاد دولت عشق  
ن . ف  
جمعه ۱۸ سپتامبر  
خانه کتاب ایران ، وست و و د

نیوشا فردوسی  
عاشق ، درد مند ، منتقد  
هواد ار سا زمان چریکهای فدایی خلق ایران  
یکشنبه ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۷ ، تبعید (لوس آنجلس) .

## سفرا ریش هونگر به آلمان فدرال

رهبر جمهوری دمکراتیک آلمان "اریش هونگر" در ماه سپتامبر همزمان با سفر به آلمان فدرال، این اولین سفر یک رهبر جمهوری دمکراتیک آلمان بعد از تشکیل آن، به آلمان فدرال می باشد. سیاست ائتلاف حاکم در آلمان فدرال بر پایه اصلاح یکپارچه کردن مجدد آلمان، یعنی منحل کردن جمهوری دمکراتیک آلمان، که سمبل پیروزی مبارزه طبقه کارگر علیه فاشیسم هیتلری است، استوار بوده است. در فاکتورهای آلمان فدرال از "ملت آلمان" بصورت یکپارچه خواسته میشود که برای وحدت مجدد بکوشند. و دولت های دست راستی آلمان فدرال هیچگاه جمهوری دمکراتیک آلمان را بعنوان یک کشور برسمیت نمی شناسند حتی در مورد سفارت آن کشور در برلین، واژه نمایندگی را بکار نمی برند. اما در این سفر همه جا از "ریش هونگر" بصورت رئیس یک دولت استقبال و پذیرائی شد. این یعنی یک عقب نشینی برای آلمان فدرال (و همه امپریالیسم) چون دیگر نه تنها بعنوان "دوفاکتو" بلکه بصورت رسمی موجودیت جمهوری دمکراتیک آلمان را پذیرفت. چنانکه در بیانیه مشترک دو دولت در پایان سفر آمده، آرزوها نمیتوانند برواقعیت تحمیل شوند و موجودیت دو کشور یک عمل انجام شده است.

اریش هونگر طی سفر خود از دگانش شهر "نوکیورن" نیز بازدید کرد و در آنجا با سخنانی گرم و پر شور مبارزه سوسیالیسم برای صلح علیه بربریت و فاشیسم سرمایه داری را مورد تأکید قرار داد. او گفت "حاکم آلمان دیگر هرگز نباید منحل شروع جنگ علیه دیگران شود..." و در مورد رزبیین دو آلمان گفت "آرزوی ماست که روزی این مرز بصورتی باز، همانگونه که بین آلمان دمکراتیک و لهستان است، درآید!"

سفر هونگر به آلمان فدرال در محافل اجتماعی و سیاسی این کشور بعنوان مهمترین موضوع و مسئله انگکس وسیع داشته و کلیه وقایع دیگر را تحت الشعاع قرار داده بود. علاوه بر تغییر در مناسبات دو آلمان، این سفر تا شیر خود را بر روی مناسبات و مذاکرات موجود در مورد خلع سلاح نیز داشته است.

## اخبار کوتاه خارجی

سازمان ملل: ادوارد شوارنادزه، وزیر خارجه اتحاد شوروی طی نطق مهمی در اجلاس عمومی سازمان ملل در مورد موافقت نامه اخیر موشکهای میان برد و کوتاه برد گفت این موافقت نامه تاریخی که شامل برچیدن ۲۰۰۰ موشک با کلاهک هسته ای می شود برای اولین بار خواست خلع سلاح هسته ای را به واقعیت نزدیک می کند و باید بدنیال آن گامی ۵ درصد موشکهای قاره پیمای و حفظ قرارداد ضد موشکی (A B M) و نابودی سلاحهای شیمیایی انجام شوند. او همچنین گفت انقلاب اکتبر که بزرگترین واقعه قرن بیستم است نه تنها برای شوروی بلکه در سر نوشت بشریت تعیین کننده بوده است. بعد از این انقلاب دولت شورواها که با انواع فشارها و حملات مواجه شد مجبور به سرکوب گردید. شرایطی بوجود آمده که دلخواه نبود. پیروزیهای بزرگ بدست آمد و اشتباهاتی هم صورت گرفت. هدف دولت شوروی از تجدید ساختار، تحکیم هر چه بیشتر پیروزیها و رفع اشتباهات و گسترش دمکراسی بر بنیاد سوسیال

لیستی جامعه است. او در مورد بحران خلیج گفت شرایط بعد خطرناکی رسیده و تراکم نیروی نظامی امکان گسترش درگیری بین دولت های خارج از منطقه را افزایش داده است. باید حد اکثر تلاش برای برقراری آتش بس بین ایران و عراق صورت گیرد.

نیکاراگوا: بدنیال قرارداد صلح دولت امریکای مرکزی، دولت نیکاراگوا از نیروهای مخالف خود جز "کنتررا" که مسلحانه می جنگند، دعوت به مذاکره کرد. ۱۵ حزب و گروه سیاسی به این مذاکرات می پیوندند. هم چنین دولت نیکاراگوا فعالیت روزنامه مخالف "لایرنسا" و "رادیر کاتولیک" را که بدنیال اعلام حالت فوق العاده بحالت تعطیل در آورده بود، آزاد اعلام کرد.

ویتنام: جمهوری سوسیالیستی ویتنام ۶۶۸۵ نفر از زندانیان این کشور که شامل ژنرالها و افسران حکومت دست نشانده قبلی نیز بوده است را آزاد نمود. این عده از بعد از بیرون رانده شدن آمریکا ثیان از ویتنام، در اردوگاه های بازآموزی بسر می بردند.

### نشریات سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) را مشترک شوید

برای اشتراک "Tikali"، ارگان سیاسی سازمان کارگران انقلابی ایران و سایر نشریات ماهیانه، فورم را پر کرده، (همراه با رسید بانکی پرداخت هزینه اشتراک به حساب زیر) چک بانکی (در وجه حامل) به نشانی زیر ارسال نمایید.

نام نشریه	مدت اشتراک	اروپا	آمریکا و سایر نقاط با پست هوایی
<input type="checkbox"/> Tikali ارگان سیاسی سازمان	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۱۴ مارک ۲۶ "	۲۸ مارک ۵۰ "
<input type="checkbox"/> RABIEH KARGAR راه کارگر انگلیسی	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۵ " ۱۰ "	۱۸ " ۳۶ "
<input type="checkbox"/> ریتا کتایف ارگان کمیته کردستان	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۱۰ " ۱۵ "	۲۵ " ۵۰ "
<input type="checkbox"/> کای راه ارگان کمیته بلوچستان	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۱۰ " ۱۵ "	۲۵ " ۵۰ "
<input type="checkbox"/> پیام گارگر ارگان کمیته خارج از کشور	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۱۰ " ۱۵ "	۲۵ " ۵۰ "

آدرس:

Postfach 650226  
1000 BERLIN 65

شماره حساب بانکی:

H. Soltanzadeh  
Deutsche Bank Berlin  
Bankleitzahl - 10070000 -  
Konto-Nr: 5208533

نام و نشانی کامل مشترک:

(لطفا تغییر نشانی تان را اطلاع دهید)

### توضیح:

درستون سوم صفحه ۴ پیام کارگر شماره ۴ شعار قطع صد ووا سلاح به هرد و کشور به جای قطع صد ووا سلاح به ایران داده شد که به دینوسیله اصلاح می گردد.

اعتراض عفوبین الملل

به عدم پیا سخگوئی فقها

مفهوم الملل در خبیرنا به سبب ۷۷ ر. مقاله ای تحت عنوان "سوالات عفوبین الملل پاسخ نیاخته اند" به بی توجهی رژیم فقها نسبت به تقاضاهای ایمن سازمان بین المللی در مورد رعایت حقوق بشمسر اعتراض کرده است. عفوبین الملل می نویسد: از ماه ۷۷ که مبارزه آن سازمان علیه نقض حقوق بشو در ایران آغاز شد تاکنون هیچ پاسخی در مورد تقاضای گفتگو با رژیم ایران دریافت نشده و برعکس گزارشات دیگری در آل برزیریا گذاشتم شدن حقوق بشو و اعدام و شکنجه زندانیان سیاسی و عقیدت بی ریافت داشته است. عفوبین الملل یکبار دیگر خواستار به اجراء آمدن پیشنهادات قبلی جهت رعایت حقوق بشر، از جمله محاکمه عادلانه و حقوق تجدید نظر و استن وکیل مدافع در محاکم، گردیده و اعلام داشته مد پیا سخگوئی رسمی رژیم فقها در این مورد وجود داری از مذاکره مستقیم نشا نگراد امسه نقض حقوق بشو در ایران و قصد رژیم فقها به ادامه چنین وضعی می باشد.

"هیروشیما، هرگز"

بنا به گزارش رنیق شازا استرالیا در تاریخ ۹ آگوست بال جاری طبق سنت هر ساله نظاهراتی به مناسبت سالگرد فاجعه اتمی هیروشیما در ملیورن استرالیا برگزار شد. این نظاهرات توسط دو اتحادیه "تلاش برای همکاری جهانی و خلق سلاح" و "فعالیت بر علیه پایگاههای نظامی" سازماندهی شده بود که دیگر سازمانهای چپ و مترقی استرالیا نیز در آن فعالانه شرکت کردند. ضمناً بیش از ۱۴۰ اتحادیه کارگری از نظاهرات امسال پشتیبانی کردند. در طول نظاهرات جزوات انگلیسی "تاریخچه سازمان" و "قطعنامه های جبهه ضد امپریالیستی و جبهه کارگری" و همینطور ۲۰۰۰ عدد اعلامیه در باره جنگ ایران و عراق بین شرکت کنندگان نظاهرات توزیع شد.

ترور روزنامه نگار

حسن صبرا، روزنامه نگار لبنانی که برای اولین بار ماجرای سفر مک فارلین به تهران و ملاقات او با مقامات رژیم فقها را افشا نمود، روز دوشنبه ۱۴ سپتامبر در بیروت مورد سوء قصد قرار گرفت و زخمی شد. او اخیراً نیز ماجرای رشوه دو میلیون دلاری دولت آلمان غربی به "حزب الله" را که برای آزاد کردن یکای زکروگانهای آلمانسی پرداخت شده بود افشاء کرده است. بنا به نظر مطلعین این ترور از جانب تروریستهای "حزب الله" طرفدار جمهوری اسلامی در لبنان صورت گرفته است، قابل ذکر است که این روزنامه نگار از مسئولین مجله "الشراع" وابسته به جناحی از حزب الله (طرفدار مهدی هاشمی) بوده و این واقعه بنویسه خود انکاس در گریه های درونی فقها نیز می باشد.

با پیام کارگر همکاری کنید!

برای تماس با سازمان از خارج کشور،  
 با شماره تلفن ۲۱۶۹۶۱۳ - ۳۰ - ۴۹  
 در برلین غربی تماس بگیرید. بدلیل  
 کنترل مکالمات تلفنی با خارج از کشور توسط  
 رژیم اسلامی، مطلقاً تحت هیچ شرایطی  
 از داخل کشور با این شماره تلفن تماس  
 گرفته نشود.

دانمارک - کپنهاک

هواداران سازمان در تاریخ پنجم سپتامبر ۱۹۸۷ در کپنهاک یک جلسه سخنرانی پیرامون "جبهه واحد دمکراتیک و ضد امپریالیستی" تشکیل دادند. در این جلسه بعد از صحبت های سخنران در مورد جبهه واحد دمکراتیک و ضد امپریالیستی که ۱/۵ ساعت طول کشید، به سئوالات حاضرین در جلسه پاسخ داده شد و تعدادی از حاضرین نظرات خود را پیرامون صحبت های سخنران ابراز داشتند.

لیست کمکهای مالی

ب	۲۱۹	کرون
س	۲۱۹	"
پ	۲۱۹	"
ع - ر	۴۲۵	"
ب	۲۵۱	"
س	۲۵۲	"
پ	۲۱۹	"
محمد	۱۰۰۷	"
س	۶۱۴	"
ع - ر	۴۲۵	"
ب	۲۷۵	"
س	۲۷۵	"
ح	۶۱۳	"
پ	۱۸۱	مارک
الف	۶۳	"
م	۲۰۵	"
ف	۱۶۵	"
س	۱۸۲	"
ک	۶۶	"
خ	۸۰۰	"
ن	۱۹۰	"
الف	۱۵۲	"
ر	۸۳	"
نیما	۵۵	"
حبیب	۹۰	"
ب - ب	۴۰۰۰	لیبر (ترکیه)

صدای کارگر

رادپوی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

صدای کارگر هر شب از ساعت ۹ روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متر برابری ۴ مگا هرتز پخش می گردد.  
 برنامه هر شب، ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه صبح روز بعد تکرار می گردد.  
 برنامه ویژه روزهای جمعه از ساعت ۱۰ صبح پخش می شود.  
 ساعت و طول موج صدای کارگر را به خاطر بسپارید؛ ساعات پخش و طول موج صدای کارگر را به هر وسیله ممکن به اطلاع کارگران و زحمتمکشان برسانید و آنان را به شنیدن صدای کارگر دعوت نمائید!

ALIZADI  
 B.P. 195  
 75564 PARIS - CEDEX 12  
 FRANCE

آدرس پیام کارگر

POSTFACH  
 650226  
 1 - BERLIN 65